

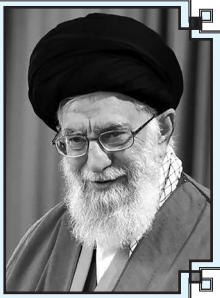
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



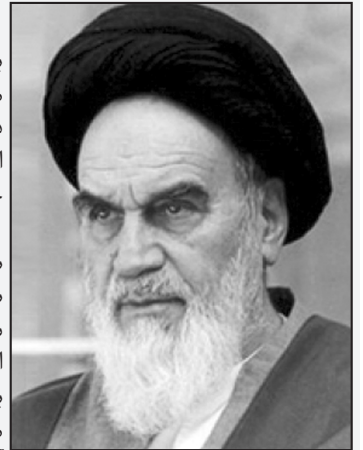
سبایی الجملی زحی

توصیه‌های مهم
رهبر انقلاب در
دیدار با اعضای
مؤسسه عالی فقه
و علوم اسلامی



سال سی و نهم ♦ شماره ۲۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۹۰ ♦ نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۷ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

نظر امام درباره ترور فرح پهلوی و بنی صدر



استاد سیدهادی خسروشاهی در پیش همایش «نقد و واکاوی آثار مرتبط با زندگینامه امام خمینی که در پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی» برگزار شد ضمن سخنانی دو خاطره مهم را نقل کرد:

من در سال‌های نخست انقلاب به دلیل فعالیت در مصر و سایر بلاد عربی شناخته‌تر بودم. در سفری که برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی به الجزایر داشتم، یکی از بچه‌های جهادی که اسم مستعارش «ابوعلاء» بود، پیش من آمد و فتوا خواست تا «فرح پهلوی»

را ترور کند و گفت که فرح و اولادش شب‌های جمعه به سر قبر شاه در مسجد رفاهی قاهره می‌روند و چون پلیس جلوی درب حفاظت می‌کند، ما نمی‌توانیم داخل شویم، اما می‌توانیم هنگام عبور از آنجا نارنجکی به داخل مسجد بیندازیم که فرح اولادش کشته شوند. وقتی گفتم که اهل فتوا نیستم، از من خواست از آقای خلخالی یک فتوا بگیرم! من به او گفتم متأسفانه من اصلاً آقای خلخالی را قبول ندارم ولی اگر ایران رفته مسئله را از خود امام می‌پرسم و به شما خبر میدم.

این ماجرا گذشت تا اینکه من وقتی برای مرخصی به ایران آمده بودم، خدمت



امام رسیدم و این موضوع را از ایشان سوال کردم، امام فرمودند، «برای چه می‌خواهند این کار را کنند؟» گفتم می‌گویند او تحریک کننده رژیم در زمان شاه بوده، امام گفتند «فکر نمی‌کنم، آن زن چه اختیاری داشته؟!» و بعد هم اضافه فرمودند، «اگر شما آن زن را مفسده می‌دانید، تقصیر بچه‌ها

چیست؟» و سپس ایشان صریحاً نهی کردند و گفتند، «این کار را نکنید». من وقتی به ایتالیا برگشتم در تلفنی رمزی به دکتر ابوعلاء گفتم که این کار صحیح نیست. روزگاری گذشت تا اینکه آقای سید محمود داعی به ایتالیا آمده بود تا در یکی از مجالس بین المللی شرکت کند و شبی را مهمان ما بود، زمانی که من این ماجرا را برای ایشان نقل کردم، ایشان گفت این موضوع را جایی نقل نکنید، چرا که به صلاح و مصلحت نیست. به ایشان گفتم از آنجا که زودتر از من به ایران می‌رود، اگر شکی در موضوع دارد خودش از امام سوال کند و اگر شکی هم ندارد که نقل آن اشکالی ندارد.

بعد از مدتی که من دوباره به ایران آمدم و به خدمت امام رسیدم تا گزارشی کوتاه از حوزه به ایشان ارائه دهم، اشاره‌ای هم به فعالیت‌های جمعی و فرهنگی خودمان در لندن کردم که آن زمان سه مجله منتشر می‌کردیم. در آن دیدار آیت‌الله شبیری زنجانی (حفظه الله) نیز به همراه پسرشان آمده بودند و جلسه‌ای مشترک بود. به امام عرض کردم که حضرتعالی در پاسخ سوال من درباره ترور فرح فرمودید که «این کار را نکنند، بچه‌ها چه تقصیری دارند.» امام فرمودند، «من این زن را هم نگفتم بلکه گفتم اگر او را مفسده می‌دانید بچه‌ها چه تقصیری دارند؟» که دیدم موضوع را کاملاً به خاطر دارند. من به ایشان گفتم که آقای داعی گفته که این موضوع را جایی نقل نکنم، حالا حضرتعالی اجازه می‌دهید من آن را جایی نقل کنم یا بنویسم؟ امام فرمودند، «هم نقل کنید و هم بنویسید، ما مصلحت‌گرایی سیاسی نداریم، حکم اسلام است.»

ادامه در صفحه ۵

سید همیشه در تبعید



صفحه ۴

حضرت آیت‌الله سبحانی: گلشن ابرار اثر ارزشمندی برای معرفی شیعه است

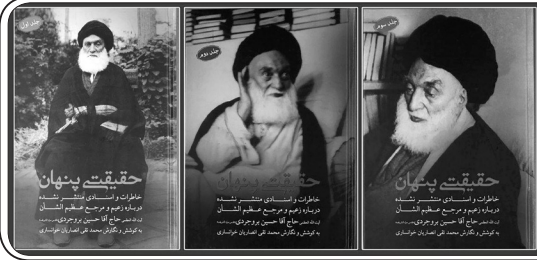


صفحه ۳

حقیقتی پنهان؛ خاطرات و اسنادی منتشر نشده درباره آیت‌الله العظمی بروجردی

به کوشش و نگارش: محمدتقی انصاریان خوانساری

صفحه ۶



دکتر ظریف: اگر حضور وحدت‌آفرین شهید حکیم نبود امروز با عراق دیگری روبرو بودیم

به دنبال این بودند در عراق یک حکومت رقیب ایران ایجاد و از طریق عراق خطری را برای کل جهان اسلام ایجاد کنند.

دکتر ظریف همچنین با گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم عبدالعزیز حکیم گفت: مرحوم سید عبدالعزیز حکیم در این رویارویی در کنار شهید حکیم بودند. درایت ایشان و توان مذاکره دیپلماتیک و



دکتر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در همایش «حکیم؛ محور وحدت» گفت: برای خود اقتضای بزرگ می‌دانم در مراسم بزرگمردی چون سید محمدباقر حکیم حضور داشته باشم. سعادت داشتم در سال ۱۳۷۱ به همراه شهید حکیم، مرحوم جلال طالبانی و مرحوم چلبی برای حج مشرف شوم.

وی افزود: مناسک حج برای من

فرصت بسیار خوبی بود تا با شهید حکیم و خانواده محترم ایشان از نزدیک آشنا شوم و حضور روحانی وی را با همه وجود احساس کنم. ایشان نمونه بارز اخلاق اسلامی بود و اخلاق بسیار لطیف، بزرگواری و پدرا نه داشت. خداوند وی را با اجداد طاهرش، با حضرت امیرالمومنین (ع) و سیدالشهدا (ع) محشور بدارد.

دکتر ظریف ادامه داد: اگر حضور وحدت‌آفرین شهید حکیم نبود، امروز با عراق دیگری روبرو بودیم. به اعتقاد بنده آنچه وی پایه گذاری کرد با دیدگاه بلند امام راحل موجب ارتباط میان مردم ایران و عراق شد، به طوری که امروز هیچ قدرتی نمی‌تواند مردم ایران و عراق را از هم جدا کند.

وی خاطرنشان کرد: ارتباطی که موجب شد در هشت سال جنگ تحمیلی مردم ایران و عراق همراه و هماهنگ با هم علیه صدام بجنگند و این ارتباط با حشد الشعبی و مبارزه علیه تکفیر، تندروی و افراط‌گرایی ادامه پیدا کرد.

وزیر امور خارجه با اشاره به این که شهید حکیم توسط فاسق‌ترین افراد که همان تکفیری‌ها بودند به شهادت رسید، افزود: ثمره خون این بزرگوار در هم آمیخته شدن خون ایرانی و عراقی یعنی عراق سنی، مسیحی و ایزدی برای مبارزه با تکفیر و مبارزه با داعش و گروه‌های افراطی است. در هم آمیختن خون مردم دو کشور هیچگاه اجازه تفرقه به دشمنان ملت ایران عراق و امت اسلامی نخواهد داد.

وی گفت: شهید حکیم فردی بود که توانست با درایت باپروژه‌ها و طرح‌های بسیار خطرناکی که برای آینده عراق در نظر گرفته شده بود، مقابله کند. به دنبال عراق منهای صدام و در پی دولت گارنر و حکومت نظامی بودندولی شهید حکیم توانست با عنایت به ویژگی‌های مردم عراق و با تلاش، با درایت و با حکمت از این مرحله عبور کند. آمریکایی‌ها

دوراندیشی وی باعث شد تیر آمریکایی‌ها به سنگ بخورد. امروز عراق در جایگاهی است که بدون آن نخواهیم توانست در منطقه امنیت ایجاد کنیم. بدون ایران و عراق این منطقه روی امنیت و آرامش را نخواهد دید زیرا دو کشور دو ستون استوار امنیت در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه هستند. وی افزود: امیدواریم با حرکت جدیدی که با درایت مقامات عراقی ایجاد شده است، بتوانیم حرکت رو به جلو داشته باشیم. حرکتی که عراقی‌ها در دوره اخیر شروع کرده‌اند این است که ما گروه‌ها و ائتلاف‌هایی داریم که شامل همه اقوام و طوایف است.

ظریف در بخش دیگر از سخنان خود تصریح کرد: در سفر پنج روزه‌ای که یک ماه قبل به عراق داشتم احساس کردم مردم ایران و عراق جدایی ناپذیرند. در دیدار با عیال کربلا با همه وجود احساس کردم که مردم ایران و عراق جدایی ناپذیر هستند.

وزیر خارجه گفت: در سفر به عراق با دو ائتلاف ملاقات کردم یکی به رهبری سید عمار حکیم و دیگری به رهبری برادران بدر که هر دو این ائتلاف‌ها شامل همه قومیت‌های کرد، شیعه، سنی، ترکمان و مسیحی هستند و این پیروزی بزرگ برای ندای وحدت بخش مرحوم شهید حکیم است.

ظریف ادامه داد: امیدوارم به برکت ماه رجب که شهید حکیم در مسیر وحدت، حکمت و شهادت حرکت کنیم. فرهنگ ایثار و شهادت است که مردم ایران و عراق را به هم پیوند داده و این فرهنگ است که تمامی سلاح‌های دنیا در برابر آن ناتوان بوده و خواهد بود. رئیس‌دستگاه دیپلماسی خاطرنشان کرد: امیدواریم بتوانیم پیام شهید حکیم، شهدای انقلاب اسلامی، شهدای جنگ تحمیلی و امام بزرگوار و پیام وحدت‌آفرین مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب را عملی کنیم.

ایینا: آیت‌الله العظمی بروجردی توجه ویژه‌ای به توسعه اماکن مذهبی، مدارس علمیه، کتابخانه‌ها و چاپ کتاب‌های دینی داشت. در دوران حیات ایشان مسجد اعظم قم، مدرسه آیت‌الله بروجردی نجف اشرف، مدرسه علمیه کرمانشاه، مرکز بزرگ اسلامی هامبورگ در آلمان، کتابخانه‌ای در نجف اشرف و نیز کتابخانه‌ای در کرمانشاه ساخته شد. اهدا هزاران جلد نسخه خطی و کتاب چاپی به کتابخانه‌های قم، نجف و کرمانشاه نمونه‌هایی از اهتمام آیت‌الله بروجردی به کتاب و کتابخانه بوده است.

در نیمه شعبان سال ۱۳۳۸ آیت‌الله بروجردی دستور تأسیس کتابخانه بزرگ عمومی مسجد اعظم را صادر و از معمار مسجد، آقای حسین لرزاده، می‌خواهد تا محلی را برای کتابخانه مسجد، در نظر بگیرد. وی ضلع غربی مسجد را به عنوان محل ساخت کتابخانه تعیین کرد. فضای در نظر گرفته شده، حدود ۱۳۲ مترمربع بود. با درخواست سرپرست کتابخانه، دو سالن مطالعه به مساحت ۲۲۰ متر در طبقه دوم ساخته شد. امروزه محل مذکور با حفظ بخشی از ساختمان اولیه در سردر اصلی ضلع غربی مسجد واقع شده که در سال ۱۳۸۶ بازسازی شد و از آن به عنوان راهرو ورودی مسجد استفاده می‌شود.

بعد از هماهنگی‌های لازم و معمول همه دیدارها عصر یک روز پاییزی به کتابخانه مسجد اعظم رفتیم. از همان نگرهبانی با استقبال مواجه شدیم؛ گرم و صمیمی. به طبقه اول کتابخانه رفتیم. وارد دفتر مدیر کتابخانه که شدیم، با لبخند و تواضع میزبانی کرد و با حوصله به تفصیل درباره کتابخانه به توضیح پرداخت.

راهنورد، کتابخانه مسجد اعظم را بعد از کتابخانه‌های مدرسه فیضیه، مدرسه حجتیه و حرم مطهر، چهارمین کتابخانه قدیمی قم معرفی کرد که به دست زیمع عالیقدر حوزه آیت‌الله العظمی بروجردی تأسیس شده است؛ کتابخانه‌ای که از همان بدو تأسیس مورد توجه بزرگان قرار می‌گیرد و اسامی این بزرگان را از مجموعه‌هایی که به کتابخانه اهدا کرده‌اند، می‌توان فهمید. از حضرت امام خمینی (ره) و آیات عظام گلپایگانی، خویی، سیداحمد خوانساری و مرعشی نجفی تا مراجع فلی و شخصیت‌های بزرگ علمی و ناشران بزرگ که اهتمام ویژه به کتابخانه داشته‌اند.

مرحوم رضانی به تنهایی نقش کتابخانه ملی و نهادهای موازی را انجام داده است

همین نکته‌ها باعث شد وی به معرفی حاج محمد رضانی بپردازد: «کسی که از پول غذای خودش برای خرید کتاب کنار گذاشته و هم اکنون یکی از تالارهای اصلی کتابخانه به نام او نامگذاری شده است. حاج محمد رضانی ملقب به حاجی خاور و مشهور به پدر کتاب ایران، عشق و علاقه شدیدی به کتاب و جمع‌آوری آن داشته و مدیرمسئولی چند نشریه را برعهده گرفته است. از وی انتشار بیش از ۷۰۰ عنوان که حاصل ۹ سال فعالیت در موسسه انتشاراتی کلاله خاور کتاب بوده، به‌جا مانده است. زمانی که از دنیا می‌رود، بیش از ۴۰ هزار کتاب جمع‌آوری کرده بود. مرحوم حاج رضانی فردی است که به تنهایی نقش کتابخانه ملی و نهادهای موازی را انجام داده و همزمان با کتابخانه‌های بزرگ دنیا این کار را برعهده گرفته است».

به گفته مدیر کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی، کتاب‌های اهدایی مرحوم رضانی مجموعه‌های نفیسی هستند که در نوع خود بی‌نظیرند. سه هزار و ۲۰۰ عنوان کتاب درسی

دوره قاجار و پهلوی اول که بیش از چهار هزار و ۲۰۰ جلد هستند، در مجموعه وی وجود دارد. مرحوم رضانی به تنهایی بخشی از تاریخ آموزش و پرورش کشور را رقم زده است. کتاب‌های وزارت معارف و حتی کتاب‌هایی که در مکتب‌خانه‌ها استفاده می‌شده، در مجموعه کتاب‌های او وجود دارد.

مجموعه ۷۵۰ جلدی وزارت جنگ از دیگر مجموعه‌های نفیس مرحوم رضانی است. در این مجموعه علاوه بر معرفی سلاح، نقشه‌های اولیه مرزی کشور هم دیده می‌شود. مجموعه دیگر، کتاب‌های ادبیات با موضوعات شعر و داستان و رمان است که بیشتر به صورت جزوه چاپ شده‌اند. این بخش از کتاب‌ها از حجم کمی برخوردارند و بعضاً برای مطالعه روزانه و ضمیمه نشریات استفاده می‌شده است.

مجموعه بعدی، بولتن‌ها و گزارش‌های سازمانی‌اند که در کنارشان مطبوعات و نشریات هم وجود دارد. عمده این مجموعه در زمان حیات وی از طرف دانشگاه تهران خریداری و به آنجا منتقل شد.

راهنورد می‌گوید: ما ۲۵۰ عنوان سالنامه در این مجموعه می‌بینیم. این در حالی است که کل سالنامه‌های کشور حدوداً ۵۰۰ عنوان است و ۵۰ درصد سالنامه‌ها به تنهایی در مجموعه مرحوم رضانی قابل مشاهده است. بخشی از مجموعه ایشان اسناد چاپی است؛ اسنادی از قبیل نظام‌نامه‌ها، مرام‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دیگر موضوعات. بخشی از اسناد برای وزرات معارف آن وقت، بخشی برای وزارت آموزش و پرورش و بخشی برای احزاب سیاسی است. قانون اساسی سال ۱۳۰۱ در این دسته قرار دارد.

مدیر کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی بعد از معرفی مرحوم رضانی، فهرست‌وار به دیگر اهداکنندگان نیز اشاره می‌کند: «اولین اهداکننده شخص حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی بود که برای راه‌اندازی کتابخانه، سه هزار جلد کتاب اهدا کرد. حسب وصیت آیت‌الله حاج آقا سیدمحمد مقدس اصفهانی، کتابخانه شخصی وی که حدود دو هزار جلد کتاب نفیس اعم از چاپی و خطی بود، به کتابخانه مسجد اعظم اهدا شد. آیت‌الله حاج آقا سیدحسن فرید اراکی، کتابخانه مجهزی داشتند که طبق وصیت وی کتاب‌های چاپی (حدود دو هزار جلد) به کتابخانه اهدا شد».

وی همچنین بیان کرد: «در سال‌های اخیر نیز کتاب‌های زیادی به کتابخانه مسجد اعظم اهدا شده است. از جمله تولید کتابخانه و مسجد اعظم حضرت آیت‌الله علوی بروجردی که علاوه بر اهدا دو هزار و ۵۰۰ جلد کتاب چاپ سربی و سنگی، تعداد ۶۲۵ نسخه خطی متعلق به کتابخانه شخص حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی را از ورثه خریداری و به کتابخانه اهدا کرد. همچنین کتاب‌های پدر بزرگوارشان را به تعداد قریب یک هزار و ۴۰۰ جلد به کتابخانه اهدا کرد. دفاتر مراجع معظم تقلید، آیات عظام سیستانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، مدنی تبریزی و علوی گرگانی نیز کتاب‌هایی را اهدا کرده‌اند.

مدیر کتابخانه در ادامه به منابع کتابخانه اشاره کرد و به صورت تفکیک شده آن‌ها را برشمرد:

مجموعه نسخ خطی:

بخشی از منابع ارزشمند کتابخانه را مجموعه نفیس نسخ خطی تشکیل می‌دهد. این مجموعه طبق آخرین آمار بخش ساماندهی با لحاظ رساله‌ها بالغ بر هفت هزار و ۸۰۰ عنوان نسخه خطی در پنج هزار و ۱۰ جلد را شامل می‌شود. وجود نسخه‌هایی به «خط مؤلف» مانند: «خط ملاصدرا، محمدتقی مجلسی، علامه مجلسی، عباسقلی

گزارشی از کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)

پایان‌نامه‌های دیجیتال، پایان‌نامه‌های حوزوی در سطح سه و چهار هستند که حدود ۶ هزار و ۵۰۰ عنوان به دو زبان فارسی و عربی را شامل می‌شود. پایان‌نامه‌های چاپی شامل مجموعه «خاص پایان‌نامه» هستند. این مجموعه شامل ۳۳۲ عنوان پایان‌نامه در حوزه علوم «پزشکی، دامپزشکی و حقوق» مربوط به بازه زمانی ۱۳۱۸-۱۳۴۲ است. قدیمی‌ترین پایان‌نامه این مجموعه مربوط به سال ۱۳۱۸ است.

توسعه کتابخانه دیجیتال از

اولویت‌های ماست

راهنورد به کارهایی که اخیراً انجام شده است، اشاره می‌کند و می‌گوید: از جمله فعالیت‌هایی که به صورت جدی آن‌را دنبال می‌کنیم، کتابخانه دیجیتال است که حدوداً پنج سال پیش راه‌اندازی شد. اکنون بیش از ۵۱ هزار عنوان کتاب در کتابخانه دیجیتال وجود دارد که بحمدالله از مراجعه خوبی برخوردار است. به طوری که از ابتدای امسال ۲۲۴ هزار و ۶۳۲ بار به وبسایت کتابخانه مراجعه کرده‌اند و از این تعداد ۳۴ هزار و ۳۶۱ مورد با آی پی خارج از کشور وصل شده‌اند.

وی در ادامه از خدمات کتابخانه به مراجعین می‌گوید: «برای خدمات بهتر و دسترسی‌های بیشتر امکان استفاده از پایگاه‌های علمی مثل نورمگز و پایگاه مرکز منطقه‌ای شیراز فراهم شده است. از طرفی امکان اتصال آنلاین به کتابخانه مهیاست و نرم‌افزارهای علوم اسلامی هم در دسترس مراجعین قرار می‌گیرد. ۳۰ سیستم در بخش برادران و ۲۰ سیستم در بخش خواهران فعال است. وبسایت‌های خبری و مطبوعات را هم به صورت دیجیتالی برای هر دو بخش فعال کرده‌ایم و مراجعین از این امکان هم استفاده می‌کنند».

از تعامل کتابخانه با دیگر کتابخانه‌ها سوال کردم که راهنورد گفت: تفاهم‌نامه‌ای با کتابخانه‌های بزرگ استان و ۳۵ کتابخانه داریم. از جمله خدمات ما معرفی پژوهشگران به کتابخانه‌های طرف تفاهم‌نامه و پذیرش پژوهشگران معرفی شده به کتابخانه خودمان است. در خارج از قم به کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس، دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه تهران نیز تفاهم‌نامه همکاری منعقد کرده‌ایم. با کتابخانه‌های وقفی همچون ملک و آستان قدس رضوی و آستان حضرت عبدالعظیم تفاهم‌نامه نداریم اما تعاملات خوبی برقرار کرده‌ایم. در مورد ارتباط بین المللی هم، ارتباط و تعامل خوبی با کشورهای همسایه و کتابخانه‌های مذهبی نظیر عتبه حسینی، عتبه عباسیه و عتبه علویه داریم.

اختصاص بودجه برای کتابخانه هزینه

نیست بلکه سرمایه‌گذاری است

وی می‌افزاید: موضوع دیگری که ما به آن نیاز داریم، خیرین کتابخانه‌ساز است. ما خیرین مدرسه‌ساز و غیره داریم، اما در بخش کتابخانه‌سازی فقیر هستیم. در شهر قم که شهر هزار کتابخانه است، دانشجویان و محققین و طلاب از کمبود کتابخانه رنج می‌برند. با توجه به تعدد طلبه، دانشجو و محقق کتابخانه‌های موجود هیچ‌وقت پاسخگوی نیازها نیست. آمار مراجعه به کتابخانه ما تقریباً با آمار مراجعه به کتابخانه ملی برابری می‌کند و این نشان می‌دهد در قم باید به این زیرساخت مهم توجه شود.

به عنوان حرف پایانی، مدیر کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی گفت: کتابخانه‌ها نیاز به توجه بیشتر دارند. آنچه برای کتابخانه تحت عنوان ردیف بودجه در نظر گرفته می‌شود، هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری است. با توجه به حجم کتاب‌های تولید شده و رونق کتابخانه‌های دیجیتالی، می‌طلبد بیش از گذشته از کتابخانه‌ها حمایت شود.



سپهر، سیدصدرالدین صدرعاملی و ...» از دیگر شاخصه‌های این مجموعه به‌شمار می‌رود و نمونه خط علما و دانشمندانی مانند میرداماد و شیخ بهائی در این مجموعه وجود دارد.

مجموعه چاپ سنگی:

کتاب‌های چاپ سنگی از دیگر منابع ارزشمند است. حدود پنج هزار عنوان در ۱۰ هزار نسخه کتاب چاپ سنگی سازماندهی شده است. مجموعه چاپ سنگی این کتابخانه در رده پرعنوان‌ترین کتابخانه‌های ایران به‌شمار می‌رود. همچنین تنوع زبانی منابع، وجود کتاب‌هایی با سبک چاپ شهرهایی مثل «استانبول، نجف، قاهره، بمبئی، لکنهو، لاهور، کانپور، سرینگر و ...» از دیگر شاخصه‌های برجسته این مجموعه است. قدمت چاپ برخی از این منابع درخور توجه بوده و قریب به دو هزار عنوان از آن‌ها در قرن ۱۳ هجری قمری چاپ و منتشر شده است.

منابع چاپی کتابخانه

بخش عمده‌ای از منابع کتابخانه را کتاب‌های چاپ صنعتی به زبان‌های فارسی، عربی و لاتین تشکیل می‌دهد. این منابع در مخزن اصلی به صورت قفسه بسته و در تالارهای مطالعه به صورت قفسه باز نگهداری می‌شود. ۶۲ هزار عنوان کتاب در ۱۰۵ هزار جلد در کتابخانه موجود است. تاریخ چاپ این منابع بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۷ هجری شمسی را شامل می‌شود.

کتاب‌های لاتین

بالغ بر یک هزار و ۳۰۰ عنوان کتاب لاتین سازماندهی شده که به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، اسپانیایی، ایتالیایی و ترکی استانبولی است.

کتاب‌های درسی

مجموعه کتاب‌های درسی کتابخانه به جهت ویژگی‌های خاص متمایز شده‌اند. غالب این منابع از جمله آثاری است که مورد تأیید و تألیف وزارت معارف (آموزش و پرورش) بوده و جهت تدریس در مدارس برای مقاطع مختلف تحصیلی تهیه شده است. این مجموعه شامل سه هزار و ۲۰۰ عنوان و حدود چهار هزار و ۲۰۰ نسخه است. تعداد ۵۰۰ عنوان از آنها چاپ سنگی، ۶۰۰ عنوان چاپ سربی و مابقی چاپ صنعتی است. اکثر کتاب‌های چاپ سنگی متعلق به دوران ناصرالدین شاه و احمدشاه قاجار است.

نشریات و مطبوعات

نشریات در دو قالب چاپی و دیجیتال نگهداری می‌شود. عناوین جدید انتشار و نشریات جاری صرفاً در قالب چاپی بوده و نشریات قدیمی علاوه بر نسخه چاپی در قالب دیجیتال نیز قابل دسترسی هستند. غالب نشریات موجود، به لحاظ محتوا و تاریخی منحصر بوده و از مؤلفه‌های اصلی و خاص این کتابخانه است که در کمتر کتابخانه‌ای نگهداری یا سازماندهی شده است. یک هزار و ۹۸۰ عنوان نشریه در هشت هزار و ۹۰۰ شماره آخرین آمار این بخش از کتابخانه است.

پایان‌نامه‌ها

پایان‌نامه‌ها در دو بخش سازماندهی شده‌اند. پایان‌نامه‌های دیجیتال و پایان‌نامه‌های چاپی.

با اشاره به ویژگی‌های گلشن ابرار، گفت: گلشن ابرار بزرگ‌ترین موسوعه به زبان فارسی با استفاده از منابع معتبر تراجم‌نگاری و رجالی است. منابع این موسوعه شاید به بیش از ۴۰ جلد کتاب برسد و همچنین کسانی در گلشن ابرار معرفی شدند که نام چندانی از آنان در کتاب‌های دیگر نیامده است.

وی در رابطه با شاخصه‌های مهم این مجموعه بیان کرد: هر مقاله برای چاپ در مجموعه گلشن ابرار باید در مجمعی به نام مجمع اهل قلم دفاع شود و ارزیابان پس از شنیدن دفاعیان طلبه یا دانشجو، مقاله او را برای چاپ در گلشن ابرار، تأیید یار می‌کنند. جودتی ادامه داد: هدف از تدوین مجموعه گلشن ابرار، ارائه الگو به اقشار مختلف جامعه است، این مجموعه صرفاً شرح حال نویسی نیست و گلشن ابرار هم برای مخاطبان عام و هم برای مخاطبان خاص قابل استفاده است.

رئیس گروه گلشن ابرار پژوهشکده باقرالعلوم (ع) افزود: کارهای استانی گلشن ابرار از جمله در خصوص علمای استان تهران، علمای زنجان و علمای آذربایجان شرقی طی آینده نزدیک رونمایی خواهند شد.

استاد سطوح عالی حوزه علمیه با بیان اینکه گلشن ابرار دارای قلم روان است، بیان کرد: زندگینامه ۳۱۳ تن دیگر از شخصیت‌های برجسته هم در قالب مجموعه گلشن ابرار به نگارش درآمده است و به دنبال آماده کردن این زندگی‌نامه‌ها در قالب جلد‌های ۱۸ تا ۳۲ گلشن ابرار هستیم که کار بازرینی نهایی این مجلدات در حال صورت گرفتن است.

در بخش دیگری از این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالصمد جودتی مدیر گروه گلشن ابرار، با اشاره به هفت جلد رونمایی شده در این مراسم بیان کرد: این آثار شامل چهار جلد کتاب گلشن ابرار ویژه شرح احوال علمای شیعه گذشته و معاصر، دو جلد بانوان عالمه شیعه و یک جلد علمای شهید است که به همت پژوهشگران پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم تألیف شده است.

جودتی با بیان اینکه تا به حال بیش از ۳۰ جلد کتاب گلشن ابرار تدوین شده است، ادامه داد: هر یک از این مجلدات، شرح حال حدود ۵۰ عالم عصر گذشته و معاصر است، که در این میان نگارش جلد‌های ۱۸ تا ۳۲ گلشن ابرار به پایان رسیده است و انشاء الله در سال‌های آتی این مجلدات چاپ خواهند شد.

رئیس گروه گلشن ابرار پژوهشکده باقرالعلوم (ع)،

حضرت آیت الله سبحانی:

گلشن ابرار اثر ارزشمندی برای معرفی شیعه است

شیعه را یکی از رسالت‌های مهم حوزویان عنوان کرد و افزود: علمای ما با قلم‌هایشان موجب حفظ اسلام شدند، اما به رغم تلاش‌های انجام شده آنگونه که باید شیعه در جهان شناخته شده نیست. وی با اشاره به اهمیت معرفی علمای شیعه به جهانیان، گفت: ما باید علما و ریشه‌های خود را به جهان معرفی کنیم تا بدانند شیعه همان اسلام و اسلام همان شیعه است؛ شیعه در حقیقت اسلام تحریف نشده است.

حضرت آیت الله سبحانی، در ادامه با اشاره به اینکه گلشن ابرار پاسخی است به کسانی که می‌گویند شیعه اصالت ندارد، ادامه داد: گلشن ابرار اثر ارزشمندی برای معرفی شیعه است، و از آنجایی که معرفی علمای شیعه به جهانیان موجب تحکیم این مذهب است، باید کتاب‌ها در خصوص این علما به زبان‌های دیگر همچون عربی ترجمه شود. مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه شیعه آثار با ارزش فراوانی دارد که باید به جهان معرفی شوند، افزود: علمای شیعه و آثار آنها باید معرفی شوند، گرچه علمای بسیاری هم وجود داشتند که گمنام ماندند و شناخته نشدند، مثلاً در زمان مرحوم علامه حلی در حله ۴۰۰ مجتهد وجود داشت، اما اسامی و آثار این مجتهدان به دست ما نرسیده است.

ایینا: حضرت آیت الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید در مراسم رونمایی از تازه‌های نشر گلشن ابرار که در دفتر وی برگزار شد، با بیان اینکه اهمیت علم و دانش برای همگان روشن است، گفت: در قرآن کریم حدود ۷۸۰ مرتبه به علم و مشتقات آن پرداخته شده است که این امر نشان از اهمیت بالای علم و دانش در دین مبین اسلام است.

این مرجع تقلید شیعیان بیان کرد: خداوند در قرآن کریم مقام و مرتبه دو گروه را بالا می‌برد؛ یکی افراد بالیمان و دیگری عالم، البته علمی که در اسلام مطرح است، علمی است که مایه کمال و سعادت انسان باشد، لذا علمی که جنبه تخریب دارد، در اسلام مطلوب نیست.

حضرت آیت الله سبحانی ادامه داد: غرب نیز به دنبال علم است، اما علم نه برای سعادت بلکه برای عیش و نوش، قدرت‌طلبی و زورگویی؛ در حالی که اسلام به دنبال علمی است که برای بشر سعادت آفرین باشد.

استاد سطوح عالی حوزه علمیه بیان کرد: علم و ایمان در کنار هم باید باشند، بنابراین کسانی که بمب اتم می‌سازند، علمشان تخریبی است و این علم مورد نظر اسلام نیست.

این مرجع تقلید شیعیان، معرفی علما و مفاخر

آیت الله جوادی آملی:

تلاش کنیم دین به اسارت نرود و مردم از دین جدا نشوند

مبین» است و آن علی حکیم در اختیار حضرت است. او درباره آثار بی عدالتی ابرار داشت: این را هم عقل و هم نقل تأیید می‌کنند که چون خداوند مهندس است و همه جهان را با نظم ریاضی گونه آفریده، همه عالم از صدر تا ذیل در جای خود قرار گرفته است، اگر شما عدد ۵ را از بین ۴ و ۶ بردارید آن را کجای دیگر می‌توانید بگذارید؟! اختلاس و نجومی و تهمت هم اینگونه است، بالاخره انسان رسوا می‌شود، اگر کسی امروز اختلاس کرد این مال را کجای دیگر می‌تواند بگذارد؟! بالاخره رسوایی در پی دارد، عالم اینگونه خلق شده است که حداقل نتیجه بی عدالتی، آبروریزی و بی حیثیتی است. آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: کسی می‌تواند عادل باشد که بداند مرگ از پوست به در آمدن است و نه پوسیدن و انسان اینگونه نیست که بعد از مرگ در زیر خاک بیوسد و تمام شود، انسان موجودی ابدی است، روح نه متزّمّن است که زمان بردار باشد و نه متمکّن است که مکان بردار باشد، لذا ما هستیم که هستیم و باید در قیامت جوابگوی همه اعمال خود باشیم.

او در ادامه به گام دوم انقلاب اشاره کرد و بیان داشت: ما در گام دوم و در گام‌های بعدی انقلاب، وظیفه داریم خطرهایی که متوجه نظام و انقلاب است را بررسی کنیم، مثل اینکه چگونه عدل علوی به ظلم اموی تبدیل می‌شود؟! حضرت در نامه به مالک دو مطلب را در ریشه یابی این موضوع بیان می‌کند، فرمود اولین کاری که دشمن کرد این بود که آنها مکتب را عوض کردند، یعنی دین و قرآن را به اسارت گرفتند و آن را به میل خود تفسیر و ارائه کردند و در مرحله بعد به سراغ مردم رفتند و مردم را از ما اهلیت جدا کردند.

وی ادامه داد: داشتن رهبر خوب یک طرف قضیه است، رهبر ولو علی بن ابی طالب (ع) باشد، مادامی که مردم در صحنه نباشند شکست قطعی است لذا با تأکید «انما» می‌فرماید «إِنَّمَا عَمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ» در نتیجه با همه وجود باید تلاش کنیم اولادین به اسارت نرود و ثانیاً مردم از دین جدا نشوند تا عدالت علوی محقق شود.

آیت الله جوادی آملی در همایش بین المللی «امام علی (ع) الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز»، اظهار داشت: «عدل» گرچه دارای مفهوم روشن و معنای شیرین است لکن بدون «توحید» ممکن نیست، جامعه‌ای که داعی عدل دارد اما موحد نیست، جامعه فرعونی است. عدل بدون توحید محقق نخواهد شد به عبارت دیگر عدل تنها در بستر توحید است که امکان تحقق می‌یابد و ما تا موحد نباشیم امکان ندارد به عدل برسیم. او ادامه داد: معنای عدل روشن است: «العدل وضع کل شیء موضعه»، اما جای اشیاء کجاست؟ جای افراد کجاست؟ موحد می‌گوید این را فقط اشیاء آفرین و اشخاص آفرین می‌داند، اما ملحد خود جای اشیاء و اشخاص را معلوم می‌کند. لذا عدل پشتوانه علمی می‌خواهد از این رو علی علیه السلام که موحد ناب است می‌تواند عادل حقیقی باشد.

آیت الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: علی علیه السلام که قرآن ناطق و سخنگوی قرآن است، یک توحید مطلق است، لذا عدل را تبیین می‌کند و تحقق می‌بخشد.

او اذعان داشت: وقتی پیامبر (ص) در وصف امیرالمومنین (ع) فرمود «علی مع الحق والحق معه یدور حیث دار» ما دو نوع حق داریم؛ یک حق، حق محض است که مقابل ندارد و در مقام ذات است و مقابل آن عدم است و یک حق که مقابل آن باطل است، این حق در مقام امکان است نه در مقام ذات لذا فرمایش پیامبر این نیست که علی همراه حق است یا حق همراه علی است، بلکه منظور این است که علی عین حق است.

وی تصریح کرد: از ابتکارات چنین شخصی که عین حق است می‌توان به مساله تثلیث در روش اشاره کرد که می‌فرماید: «إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ» برخی از ترس جهنم عبادت می‌کنند و برخی به شوق بهشت! اما برخی «حبا لله» عبادت می‌کنند: در حقیقت او آمده تبشیر و اندازار را تلطیف کرده است و این را از قرآن گرفته که می‌فرماید اسلام دین محبت و مهر است. قرآنی که حبل است و خداوند آن را مانند باران به زمین نیانداخته بلکه او را به زمین آویخته است، بالای آن «علی حکیم» و پایین آن «عربی»

آیت الله استادی:

جامعه با گریه درست نمی‌شود

انکار نیست، ولی با تعداد زیاد هم نیست و اگر در جایی دلیل محکمی وجود داشت باید بپذیریم. البته علامه طباطبایی معتقد است در بسیاری از آیات که در مظان این مسئله است باز هم شواهدی دارد که خدا کلام آخر را نگفته و حکم آیه همیشگی نیست؛ لذا نسخی در کار نیست.

آیت الله استادی با طرح این سؤال که نسخ آیه با آیه و روایت پیامبر (ص) با آیه ممکن است آیه را نسخ کند، ولی روایات ائمه (ع) نمی‌توانند ناسخ باشند افزود: علامه شعرانی معتقد است اگر تعبیر نسخ در روایات ائمه (ع) باشد مراد مطلق و عام است، زیرا بعد از پیامبر نسخ پایان یافته است. همچنین وی گفته که عمل جزء ایمان نیست؛ یعنی به فرد گناهکار نمی‌توان گفت ایمان ندارد.

وی ادامه داد: یکی از وظائف مهم ائمه (ع) و علما این است که اگر حرف غلطی در جامعه مطرح و جا باز کرد باید با آن برخورد شود و گاهی باید برخورد شدید با آن صورت بگیرد؛ در دوره ائمه (ع) برخی افراد به نفع بنی‌امیه به توجیهاتی پرداختند که حاکمان بنی‌امیه مانند یزید اگر عمل هم ندارند ایمان دارند؛ لذا روایاتی که خواسته ایمان بی‌عمل را رد کند ناظر به رد این حکام بوده است؛ از طرفی خوارج هم پیدا می‌شوند که می‌گفتند هر کسی یک گناه کند ایمان او رد می‌شود؛ بنابراین در روایات داریم که کسی نباید دلش را به حب ما خوش کند بلکه عمل لازم است.

وی با تأکید بر اینکه در برخی روایات داریم که کسی بر امام حسین (ع) گریه کند اهل نجات است، افزود: نمی‌توان گفت این روایت درست نیست، ولی جامعه با گریه درست نمی‌شود؛ یعنی اگر مردم خائن باشند و نماز نخوانند، ولی گریه کنند جامعه اصلاح نخواهد شد؛ الان مشکل فعلی کشور ما همین است؛ در قشر عظیمی از مردم محرم، صفرو ماه رمضان گریه هست، ولی خیانت و دروغ هم سر جای خود است.

وی ادامه داد: می‌گویند چرا ملتی که اهل گریه است گرفتاری دارد، زیرا گریه جای خود، ولی باید عمل هم در کار باشد؛ هر جامعه‌ای ایمان و عمل صالح و محبت اهل بیت (ع) را لازم دارد.

ایکتا: آیت الله رضا استادی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، در ادامه جلسات تفسیر خود در دارالقرآن علامه طباطبایی با بیان اینکه از قرن نهم به بعد تفسیر در میان علمای شیعه رواج بیشتری نسبت به قبل از آن داشته است گفت: زبدة التفاسیر از جمله تفسیرهایی است که بعد از این مدت ملافتح الله کاشانی نوشته که از چهار تفسیر از جمله بیضاوی و کشاف مجمع استفاده کرده و در ده جلد است.

وی افزود: وی تألیفات فراوانی دارد که همه آن‌ها خوب است و تعدادی در اختیار است؛ ترجمه‌ای بر نهج البلاغه با عنوان تنبیه الغافلین نوشته که بسیار مورد اعتماد است؛ البته نوعاً ترجمه علمای قدیم ممکن است در شیوه نگارش مشکلاتی داشته باشد، ولی از حیث دقت، دقت آن بیشتر از ترجمه‌های جدید است.

آیت الله استادی بیان کرد: بی‌دقتی در ترجمه‌های جدید فراوان است، البته در ترجمه‌های قرآن کریم، چون به شدت تحت نقد دیگران قرار گرفته و مقالاتی در ده جلد کتاب هم در این باره وجود دارد که این اشکالات را بررسی کرده است. به همین دلیل این ترجمه‌ها قابل اعتماد است.

وی افزود: گاهی برخی مترجمین طی دو تا سه ماه یک کتاب را ترجمه می‌کنند. به همین دلیل نمی‌توان خیلی به آن‌ها اعتماد کرد. این استاد حوزه تصریح کرد: در گذشته ترجمه‌ها ابزار کار علما بوده؛ لذا دقت فراوانی در آن وجود داشته و کارهای خوبی بوده است، ولی الان این شرایط وجود ندارد؛ الان هیچ یک از کتاب‌های ما بدون نقطه ضعف نیست؛ لذا ترجمه کردن و در بین مردم منتشر ساختن به صلاح نیست؛ مثلاً کافی که از بهترین کتب ما هست مطالبی دارد که قابل قبول نیست و نباید بدون توضیح و پاورقی ترجمه کنیم و به دست عوام بدهیم.

آیت الله استادی اظهار کرد: در دوره‌های گذشته مردم خیلی متعبد بودند و هر چه گفته می‌شد می‌پذیرفتند، ولی امروز درباره مطالب سؤال می‌کنند. بنابراین نباید هر مطلبی نشر داده شود.

وی با اشاره به بحث نسخ در قرآن که گاهی تا ۲۰۰ عدد هم گفته شده است، افزود: نسخ قابل

استخوان هایش را از استانبول به کابل آوردند و گفتند که او اهل افغانستان است و باید در سرزمین خود دفن شود. بدون آنکه باورهای او را باور داشته باشند. سید جمال الدین اسدآبادی باور داشت که اهل یک شهر، یک کشور و یک فرقه نیست. او ایمان داشت که اهل یک اندیشه بدون مرز و جغرافیاست و از این رو، تبعید برای او فرصتی برای ترویج اندیشه اش در جغرافیای دور و گسترده بود. درباره زندگی و تجربه های منحصر به فرد سید جمال الدین با استاد سید هادی خسروشاهی به گفتگو نشستیم. او معتقد است که سید جمال همیشه در حال مبارزه و همیشه در حال تبعید از وطن نخستین خود بوده است. متن این گفتگو را در ادامه بخوانید:

ناصرالدین شاه سید جمال را به ایران دعوت کرده بود، چه اتفاقی منجر به اخراج او از ایران می شود؟

ناصرالدین شاه، که تحت تأثیر شهرت و آوازه سید در اروپا واقع شده بود، او را به ایران دعوت کرد. ولی با آن که سران ایران در ابتدا از وی استقبال خوبی کردند، به زودی وجود او را برای خود و موقعیت سیاسی خویش خطرناک یافتند و با اعمال فشار و اجبار مستقیم، وی را وادار کردند تا به روسیه برود.

رفتن سید جمال به ترکیه اخراج از ایران یا تبعید بود؟ آیا از او دعوتی برای حضور در این کشور شد؟

سید جمال الدین به دعوت سلطان عبدالحمید دوم، خلیفه عثمانی، در سال ۱۲۸۶ قمری به مقر خلافت عثمانی در اسلامبول وارد شد. علما، فرهیختگان، روشنفکران و توده مردم مسلمان از او استقبال کردند.

در زمان اقامت اقامت در ترکیه چه اتفاقاتی افتاد که باز هم از این کشور تبعید شد؟

در مدت شش ماه نخستین اقامت در اسلامبول، با محافل فرهنگی و علمی، از جمله «انجمن معارف» آشنا شد. به عضویت آن درآمد. در ترکیه حسن فهمی که مقام «شیخ الاسلامی» را داشت، از ترس اینکه سید جمال روزی مقام او را تصاحب کند، به مخالفت با اندیشه های سید پرداخت. او و هم فکانش سید جمال را «مادی گرا» نامیدند و حتی کتابی هم با نام «کلب العجم» نوشتند و منتشر ساختند که در آن وقیح ترین کلمات و فحش ها و ناسازها را بر ضد سید به کار بردند. سید جمال برای پاسخگویی اعلام آمادگی کرد؛ اما به طور طبیعی گوش شنوایی در بحران هرج و مرج پیدا نشد و در عوض دامنه اتهام گسترش یافت و سید به علت تدریس «احیاء علوم الدین» تألیف «امام ابو احمد غزالی» مورد تهمت «ارتداد» و «خروج از دین» قرار گرفت. حسن فهمی مورد توجه سلطان بود. فرصت را برای وارد کردن ضربه نهایی غنیمت شمرد و توانست حکم تبعید سید را پس از ۷ ماه اقامت او و تدریس و سخنرانی در استامبول، بگیرد و اجرا کند.

در گزارش های مختلف و روایت های موجود از تبعید سید جمال از ترکیه به مسئله «صنعت نبوت» اشاره شده است. این اظهار نظر دلیلی بر تبعید او بود؟

مدیر مدرسه دارالفنون از سید خواست درسی را درباره ترویج صنعت و علم در مدرسه آغاز کند و طلاب را با حقایق پیشرفت های علمی که برای مسلمانان ضرورت دارد، آشنا سازد. سید علی رغم اینکه به زبان ترکی با لهجه همدانی تسلط کامل

داشت، از این امر به دلیل عدم آشنایی لازم با ترکی اسلامبولی، عذرخواهی نمود؛ ولی با اصرار مسئولان مدرسه، متنی را آماده کرد و از روز نخست، که با حضور بسیاری از شخصیت های کشوری و وزرا و دانشمندان و نویسندگان تشکیل شده بود، با تکیه بر فصاحت و بلاغت خاص خود، خطابه ای ایراد کرد و به تشبیه انسان با صنعت و لزوم انسجام در سازماندهی هر دو پرداخت و «نبوت» را هم نوعی «صنعت الهی» نامید که خداوند آن را به هر کسی که انتخاب می کند، عطا می نماید. و البته انسان هم نباید تنبل

و بیکار بنشیند، بلکه هر کس باید فعال باشد، چون می تواند با تلاش و کوشش به هر مقصدی برسد. اما مسئله در همان جا محدود نماند و به مقام شیخ الاسلامی فشار و اعتراضات شدیدی وارد شد و جمال الدین از کشور اخراج و تبعید شد. درس های مذکور هم به طور کلی تعطیل شد. در نتیجه، علت تبعید جمال الدین افندی به کار بردن کلمه «صنعت» درباره «نبوت» بود که با عرف و اصطلاح مملکت منافعی بود و علت دیگری ندارد.

*** سید جمال الدین اسدآبادی در میان جمعی از مردم و طلاب ایران ***

بعد از تبعید چگونه زندگی کرد؟

در مورد زندگی تفصیلی جمال الدین بعد از تبعید، اطلاعی ندارم. فقط می دانم که او به اروپا رفت و زبان فرانسه را آموخت. به توسعه معلوماتش پرداخت و در جراید نوشت. جمال الدین در مصر که بود، انگلیسی ها آنجا را اشغال کردند و او مجبور شد آنجا را ترک کند و به جای دیگر برود. پس از آن او با غیرت ملیت در ایران با انحصار تنباکو مخالفت کرد. شاه ایران او را دستگیر و از ایران اخراج و تبعید کرد.

سید جمال به اروپا رفت.

به اروپا رفت و به تبلیغ علیه شاه ایران پرداخت. در آن ایام سفیر عثمانی در انگلیس به کمک رستم پاشا خواست که جمال الدین دوباره به اسلامبول برگردد. به این ترتیب، با دسیسه و توطئه ارتجاع، سید از مقر خلافت عثمانی تبعید شد. پس از خروج از عراق و سفر به حجاز و شامات و هند، از طریق کانال سوئز، وارد مصر شد و با توجه به شهرت جهانی که داشت، مورد توجه و استقبال علمای الازهر و روشنفکران مصری قرار گرفت. تدریس کتاب «شرح الاطهار» را در منزل خود در «خان الخلیلی» آغاز کرد. سخنرانی می کرد و در آنها از ادامه سلطه انگلیس در مصر، انتقاد کرد و خواستار آزادی و حریت مردم مصر گردید. این اقدام موجب نگرانی سفیر انگلیس در مصر شد و به دنبال بهانه ای بود که به نحوی او را از مصر دور سازد. در همین ایام یکی از قبطیان معروف مصر نزد سید جمال اسلام آورد و نشر این خبر در جرائد، موجب سرو صدا و اعتراض قبطیان شد و سفیر انگلیس به دولت مصر هشدار داد که ادامه این روش به صلاح کشور نیست و باید سید از مصر برود. این بود که محترمانه به سید ابلاغ شد که پس از اقامت تقریباً دو ماهه، از مصر بیرون برود و او به اسلامبول رفت.

به هند هم رفت. دلیل رفتن او به هند چه بود؟

سید جمال، پس از حرکت از بندر سوئز، در راه، به هندوستان رسید و به حیدرآباد رفت. وی اقامت در حیدرآباد را بر حرکت به سوی بوشهر ایران ترجیح داد. زیرا سلطان ایران مستبد و ظالم بود. سید با این که در آنجا تحت نظر و به حال تبعید بود و اجازه خروج از حیدرآباد و فعالیت را نداشت، پرچم دعوت به آزادی و دینداری را به دوش گرفت. تأثیر کلام سید در طبقه جوان و

سید همیشه در تبعید

که با پشتیبانی اجانب و به حکم سلطان عثمانی به قدرت رسیده بود، در جریان بود. توفیق پاشا، با اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر مردم، آنها را به اطاعت از حکومت واداشت و سرانجام هم در خیانتی آشکار، سرزمین «کنانه» را در اختیار اشغالگران استعمارگر انگلیسی قرار داد.

سید جمال در این بحران، به طور طبیعی کنار نیروهای ملی و مردم مسلمان مصر قرار داشت و در همین راستا، «حزب الوطن» را تأسیس کرده بود که گروه کثیری از جوانان متدین و روشن بین، در آن فعالیت می کردند. البته هدف سید از این اقدام فقط سیاسی نبود، بلکه او در نوشته ها، جلسات درس و به ویژه در سخنرانی های عمومی، در مراکز قاهره، به افشای توطئه های استعمار و سلطه اجانب و خیانت حکام می پرداخت.

علت اصلی تبعیدهای سید جمال الدین اسدآبادی چه بود؟ آیا اگر او امروز حضور داشت، تاریخ به شکل دیگری رقم می خورد؟

علت اصلی این اتهام ها و تبعیده ها، به نظر ما یک چیز بود و آن اینکه سید جمال الدین و افکار انقلابی و اجتماعی او برای قرن پیش قابل هضم نبود و خیلی زود بود. رجال و مردم یک قرن پیش نمی توانستند مسائلی را که او درک می کرد و پیش بینی های او را درک کنند و بفهمند. از این رو، همه جا او را کوبیدند و طرد کردند. سید جمال الدین اگر در قرن ما بود، می توانست یک رهبر انقلابی برای جهان اسلام و مردم مشرق زمین به شمار آید. مانند لنین و مائو برای جهان کمونیسم... گو اینکه اگر در عصر ما هم بود به جرم ارتجاع، اخلاگری، آشوب، جنجال طلبی و ارتباط با این و آن او را می گرفتند و شاید هم مثل شیخ فضل الله نوری و سید قطب به دارش می زدند.

زندگی سید جمال به دلیل روحیات شخصی همیشه همراه با مبارزه و همواره با تبعید و آوارگی بود. نحوه رابطه او با حاکمان را چگونه می بینید؟

حکام و پادشاهان در مصر، ایران، عثمانی و جاهای دیگر، همواره سعی می کردند از موقعیت اجتماعی ممتاز سید حسینی در بلاد مشرق زمین، به نفع خودشان استفاده کنند و به همین دلیل از سید دعوت می کردند. ولی تماس سید با علما و مردم با نقشه حکام و سلاطین هماهنگ نبود؛ چندی نمی گذشت که سید مغضوب می شد و از آن کشور اخراج و تبعید می گردید. البته تماس سید با این ها هم در راستای تحقق اهداف عالی وی در اصلاح جامعه بود که اغلب در دراز مدت با موفقیت همراه بود. سید جمال هر جا رفت، تهمت شنید، تبعید شد، با درد و رنج همراه گشت و سرانجام هم او را به دست جمیل پاشا طبیب مخصوص سلطان عثمانی از راه دندان و دهان به جای کشیدن دندان مسموم کردند و دهان و حلق او به قدری ورم کرد که خفه شد.

بعد از مرگ او چه تلاش هایی علیه او انجام شد؟

دشمنان سید حتی آرامگاه او را می خواستند ساخته اجانب نشان دهند و می نویسند: «هرگاه یک جوانمرد آمریکایی آرامگاهی برای سید نمی خواست، نشانی از او نمی ماند.» ولی آقای خان ملک ساسانی با آقای شیخ اسدالله مققانی در استامبول مقبره سید را ساخته اند. بعدها برخلاف دستور اسلام، نبش قبر کرده و استخوان های سید را از مقبره بیرون آورده و به کابل بردند.

منبع: ماهنامه «نسیم بیداری»، شماره ۸۳



سید جمال الدین اسدآبادی در میان جمعی از مردم و طلاب ایران

تحصیل کرده هندوستان بسیار بود. او در سخن و نگارش، مردم را با مطالبی آشنا می نمود که با مصالح و سیاست کشورداری انگلستان سازگار نبود. از این رو، ارتباط سابق او را با سران انقلاب مصر بهانه قرار داده، وی را از حیدرآباد به کلکته بردند و در تمام مدتی که آتش انقلاب در دره نیل افروخته بود، او را از رفت و آمد و گفت و شنید و انتقال از محل بازداشتند. سید جمال در هند به همکاری با مطبوعات نیز پرداخت و طبق نقل، جمعیتی سری به نام «العروه» را تشکیل داد.

آیا در هند هم با محدودیت هایی مواجه شد؟

سید جمال در هند نیز با محدودیت ها و ممنوعیت های زیادی مواجه شد. نفوذ فوق العاده اندیشه های اصلاح گرانه او در هند موجب شد که انگلستان و ایادی داخلی آن، عرصه را بر وی تنگ کنند. در نتیجه، سید جمال رهسپار اروپا شد تا بار دیگر، آزادتر به فعالیت های اصلاحی خود بپردازد. او به پاریس رفت. شیخ محمد عبده، شاگرد و دوست صمیمی وی، نیز در پاریس به او ملحق شد و این دو، بار دیگر فعالیت های خود را آغاز کردند و با انتشار مجله عروه الوثقی به نشر اندیشه های اصلاح گرانه خویش در کشورهای اسلامی پرداختند. اما دیری نپایید که سید جمال از پاریس نیز تبعید شد. دولت استعماری انگلستان وجود سید را در پاریس نیز به ضرر منافع استعماری خود دید و با فشار به دولت فرانسه، مانع فعالیت های او در پاریس شد. مجله تعطیل شد و سید جمال بار دیگر عرصه را بر خود تنگ یافت. ناصرالدین شاه، که تحت تأثیر شهرت و آوازه سید در اروپا واقع شده بود، او را به ایران دعوت کرد، ولی بعد از مدتی هم او را به روسیه فرستادند.

اقامت دیگری هم در مصر داشت؟

سید جمال الدین پس از مدتی آوارگی در محرم ۱۲۸۷ ق مجدداً به مصر بازگشت و این بار ظاهراً قصد اقامت طولانی تر داشت. سید جمال پس از اطمینان از تحکیم موقعیت خود، به تدریس فقه، فلسفه، نجوم، «اشارات»، «حکمه العین» و «تلویح الاصول» پرداخت. این بار او به مدت تقریباً هشت سال و نیم در مصر اقامت کرد. به موازات تدریس به فعالیت های اجتماعی، از جمله ایراد سخنرانی در مجامع عمومی و محافل رسمی اقدام می کرد و سپس با همکاری چند نفر از فرهیختگان مصری و جمعی از شاگردان «حزب الوطن» را تأسیس کرد و به فعالیت های اجتماعی، فرهنگی، خیریه وسیع و گوناگون در سراسر مصر دست زد و البته انتقاد از ادامه سلطه انگلیس بر یک کشور بزرگ اسلامی چون مصر، در طلیعه اقداماتش قرار داشت. این امر از چشم سفارت انگلستان دور نماند و بی تردید و طبق اسنادی که بعدها منتشر گردید، سفارت انگلستان در مصر نقش اصلی را در اخراج سید از این کشور داشت و این بود که در تاریخ ۲۸ آگوست ۱۸۷۹ میلادی سید جمال الدین به دستور توفیق پاشا از آن کشور اخراج و تبعید شد. در آن زمان، برخورد سیاسی شدیدی بین نیروهای ملی و خدیو

یک پیرمرد مسیحی گدایی می کند، از او سؤال نمود چرا گدایی می کنی؟ مرد پاسخ می دهد من مأمور دارایی بودم و زمانی که پیر شدم مرا علی بن ابی رافع بیرون کرد. امام او را خواند و گفت تا آخر عمر او به اندازه معیشتش از بیت المال به او دهید؛ و این پایه گذار بازنستگی بوده است.

استاد با بیان اینکه ما در جهان گذشته تاکنون محبت و عاطفه و حلم و بردباری امیرمؤمنان را سابقه نداریم و نداشتیم خاطر نشان کرد: این اخلاق و رفتار و عدالت امام علی (ع) جلوه عدالت حق، رحمت حق، چشم پوشی و گذشت و عفو پروردگار است و چه آرامش و حلمی این امام پیشوا داشته است که اگر به جهان ارائه دهیم انسان ها تغییر می کنند.

استاد اخلاق، تهذیب و تربیت حوزه علمیه تأکید کرد: امروزی ها تشنه عدالت امام علی (ع) هستند و اگر ما سرمایه گذاری سنگین کنیم و این مقالات را به ۱۰ زبان دنیا ترجمه کنیم و افراد برجسته را شناسایی کنیم و به آنان ارائه دهیم مسلماً در آنان نیز اثرگذار خواهد بود زیرا امیرالمؤمنین (ع) هنوز به جهانیان معرفی نشده است و جای پذیرش کامل دارد.

نظر امام درباره ترور فرح پهلوی و بنی صدر

ادامه از صفحه اول

مسأله مشابه این موضوع هم در مورد ابوالحسن بنی صدر بود که یکی از دوستان دانشجوی ما که آن زمان در ایتالیا بود و بعدها جزو کادر وزارت خارجه شد، می خواست به مقاومت! ملحق شود و بنی صدر را ترور کند و از من فتوا می خواست من در پاسخ به او هم گفتم که از فتوا معذورم و قاضی هم نیستم و حتی اصرار آیت الله قدوسی درباره قبول قضاوت در ایران را قبول نکردم، ولی مسئله را از امام می پرسم و نظرشان را به شما اعلام می کنم.

به ایران برگشتم و از امام پرسیدم. ایشان فرمودند: چرا؟ مگر مانند آن خبیث «رجوی» که می‌گوید ما اسلامی را می‌خواهیم که در آن قطع ید سارق نباشد، منکر ضروریات دین شده است؟ مثلاً در رابطه با حجاب؟ من گفتم نه اتفاقاً ایشان در ضرورت حجاب رساله‌ای نوشته و در آثار دیگرش هم چیزی که منکر ضروریات دین باشد، من ندیده‌ام.

امام گفتند: «پس برای چه می‌خواهند این کار را کنند؟» گفتم بنی صدر مقالاتی در نشریه خود که به نام «انقلاب اسلامی در هجرت» منتشر می‌سازد، می‌نویسد و در آن راجع به ولایت فقیه عبارتی به کار می‌برد که من نمی‌خواهم آن را بازگو کنم. امام فرمودند، «اینکه منکر ولایت فقیه است چه اشکالی دارد؟ مگر می‌توان هرکس را که منکر ولایت فقیه شد ترور کرد؟ نه شما نهی‌اش کنید».

بعد خود امام افزودند که «مسأله ولایت فقیه را با این وسعتی که ما مطرح می‌کنیم، علمای قدیم قبول نداشتند و علمای معاصر هم که خود شما می‌دانید در قم و نجف و مشهد و تهران» نظراتی خاص خود را دارند، به هر حال من عین این نظر را برای آن فردی که می‌خواست به مقاومت بپیوندد نقل کردم، ولی بعدها که این موضوع را در جایی نقل کردم، و آقای فهمی هویدی نویسنده معروف مصری آن را از قول من در کتاب خود نقل کرد، بنی‌صدر در مصاحبه ای گفت که من تروریستم و دلیلش هم این است که می‌خواستم از امام دستور ترورش را بگیرم، در صورتی که مانند سایر تحلیل‌هایش، نفهمیده که من می‌خواستم جلوی ترور او را بگیرم.

استاد انصاریان:

امروز جهان تشنه عدالت امیرالمؤمنین (ع) است



آن است و چه روایاتی که از پیامبر (ص) و دیگر ائمه (ع) در مورد امیرمؤمنان آمده است.

استاد اخلاق حوزه با اشاره به اینکه
امیرالمؤمنین جامع همه ارزش ها،
فضائل و کمالات است گفت: امام
علی(ع) نه تنها فاقد همه عیوب و
نواقص که به تعبیری، انسان کامل و
عین انسان است، او در ارزش ها و کمالات
نیازی به هیچ کس ندارد ولی کل جهان
نیازمندند.

استاد انصاریان تأکید کرد: ملت، جامعه، فرد و حتی جهان بدون علی(ع)، فقیر و تهی دست است. تنها چیزی که دارد ابزار بدن و اقتصادی است. جامعه بی علی(ع) را نمی شود خلیفه الله، اهل هدایت و اهل کرامت خواند بلکه باید یک درخت خشک دانست که ثمر، رشد و نمو ندارد بلکه درختی است که خسارت بار و زیان بار است. اوضاع تاریخ بعد حضرت و جهان امروز این معنا را نشان می دهد.

وی با اشاره به جامعه زمان حضرت که در آن آشوب اخلاقی زیادی بود خاطر نشان کرد: وجود او عدل محض بود او در آن آشوب عظیم که هزاران نفر را بی دین و ظالم کرد ذره ای از حقیقت عدالت انحراف پیدا نکرد. معمولاً حوادث و جریانات اثرگذار است و محل لغزش بزرگان؛ اما آن همه

«سفور» و نظر سید جمال الدین

همچنین می‌توانید در فرهنگ لغت آنلاین زیر معانی مرتبط با سفور را ببینید.

<https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar/%D8%B3%D9%81%D9%8B1>
در نتیجه می‌توان گفت واژه «سفور» در اصل به معنای برداشتن روبنده و نشان دادن چهره بوده است و بعد از آغاز ماجرایی کشف حجاب در کشورهای مسلمان، در قرن بیستم میلادی، معنای این واژه به بی‌حجابی تعمیم یافته است. تا آنجا که من متوجه شده‌ام مسلمانان در قدیم برای بی‌حجابی یا خروج از حجاب اسلامی از واژه «تَبْرَج» استفاده می‌کردند.

اما حالا سبب بررسی معنای این کلمه چیست؟
سید مقداد بنوی رضوی در صفحه ۷۰۵ کتاب
«اندیشه اصلاح دین در ایران: مقدمه‌ای تاریخی»
چنین نوشته است: «سید جمال الدین به «خوبی
مشروط بی حجابی» باور داشت و برآن بود که:
«بی حجابی خوب است در صورتی که نتیجه‌اش
فساد نباشد [چرا که] قوت زن در طبیعت اوست.»

سپس در پاورقی همان صفحه از آثار محمود
أبوریة و احمد امین - که هر دو از علاقه‌مندان
مصری سید جمال الدین بودند- دو مطلب نقل
می‌کند که در هر دو مطلب واژه سفور به کار رفته
است. حال اگر عبارت‌هایی را که از سید جمال در
این باره نقل شده است، با توجه به معنای رایج در
زمان سید جمال (حدود ۱۵۰ سال پیش) ترجمه
کنیم، چنین، به دست خواهد آمد:

«ويعرض في مجلسه للحديث عن الرجل و
المرأة و السفور و الحجاب فيطيل القول في ذلك ...
ثم قال «و عندى ان لامانع من السفور اذا لم يتخذ
مطيه للفجور»

و عرضه می شد در مجلس سید سخن از مرد و زن و روئید داشتن و حجاب زنان مطرح شد و سخن در این باره به درازا کشید... سپس سید گفت نزد من هیچ مانعی ندارد که زنان روئیده زنند، در صورتی که این کار مایه فسق و فجور قرار داده نشود. (احمد امین، زعماء الاصلاح فی العصر الحديث، ص ۱۱۴)

به گزارش. اپنا. مفسر، محقق و پژوهشگر علوم و معارف قرآن کریم خواستار ترجمه نهج البلاغه به دهها زبان زنده دنیا و عرضه آن به جهانیان شد. استاد حسین انصاریان در آیین اختتامیه همایش بین المللی «امام علی(ع) الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز» در سالن شیخ طوسی(ره) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار داشت: متأسفانه بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال از اسلام و مظلومیت امیرالمؤمنین امام علی(ع)، هنوز هم اول مظلوم عالم، به جهانیان معرفی نشده است و این در حالی است که امروز جهان تشنه مرام و عدالت امیرالمؤمنین(ع) است و جای پذیرش کامل دارد.

استاد اخلاق حوزه علمیه افزود: امروزی ها تشنه عدالت امام علی (ع) هستند و اگر ما خروجی های پژوهشی و مقالات علمی این همایش بزرگ را به ۱۰ زبان دنیا ترجمه و افراد برجسته را شناسایی کنیم و به آنان ارائه دهیم مسلماً در آنان نیز اثرگذار خواهد بود.

استاد انصاریان گفت: اگر بخواهیم بگوییم امام علی (ع) چرا الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز است، باید گفت پاسخ این سؤال به پهنای آسمان و زمین است.

وی افزود: در تعریف امیرمؤمنان (ع) باید گفت او، جامع افراد و فاقد اغیار است که برای همه ما ثابت شده است؛ چه آیتی که امام علی (ع) مصداق

حمید آسودہ

«در حال حاضر کلمه سفور در زبان عربی به معنای بی‌حجابی یا کشف حجاب است. در واقع در صد سال گذشته عموماً عبارت «السفور و الحجاب» را برای مقایسه «بی‌حجابی و حجاب» به کار برده‌اند، اما آیا معنای کلمه «سفور» در قرن‌های نوزدهم و قبل از آن نیز همین بوده است؟

باید به این نکته تاریخی توجه داشت که در اکثر جوامع مسلمان تا اواخر قرن نوزدهم، همه زنان علاوه بر حجاب موی سر، روبنده نیز داشتند و چهره خود را می پوشاندند چنانکه امروز نیز گروه هایی از مسلمانان، به ویژه در میان اهل سنت، استفاده از برقع و روبنده را واجب می دانند. درواقع در آن زمان بحث از «سفور الوجه والکفین» یا «جواز سفور وجه المرأة» به معنای جواز برداشتن روبنده بوده است و نه برداشتن حجاب. گروه اندکی از فقها سفور به معنای کشف چهره زن را بلامانع می دانستند اما در مقابل بیشتر مسلمانان روبنده را واجب می دانستند.

در نتیجه از نظر بسیاری از علمای مسلمان، نشان دادن چهره، نوعی بی‌حجابی بود و شاید به همین علت در قرن بیستم و بعد از مطرح شدن مساله کشف حجاب در کشورهای مسلمان که مساله‌ای جدید بود، معنای کلمه سفور توسعه یافت و شامل کشف حجاب موی سر نیز شد زیرا اکثر مردم مسلمان در آن زمان نقاب صورت را نیز جزو حجاب می‌دانستند و چه اینکه کسی نقاب را برمی‌داشت و چه روسری، هر دو را بی‌حجابی می‌دانستند و به همین علت از دوره‌ای به بعد، برای هر دو حالت واژه سفور را به کار برده‌اند. بد نیست نگاهی به معنای لغت سفور در کتاب «لسان العرب» داشته باشیم: کشف الوجه، يقال: «سفرت المرأة وجهها؛ إذا كشفت النقاب عن وجهها، ويقال: سفرت المرأة عن نقابها تسفره سفوراً، فهي سافرة: جلته، وسمي السَّفَرُ سَفَرًا؛ لأنه يسفر عن وجوه المسافرين وأخلاقهم، فيظهر ما كان خافياً منها» (لسان العرب، لابن منظور، مادة (سفر)، ۴/ ۳۶۸ - ۳۷۰).

نویسنده: سید علی موسوی خلخالی

روزنامه نگار، مترجم و سردبیر دیپلماسی ایرانی

عراق برای گذراندن دوران تروریسم هزینه های زیادی پرداخت، خون های زیادی ریخت و برای این که بتواند از پس تروریسم برآید مجبور شد دروازه های خود را به روی نیروهای خارجی باز کند. در این میان هزینه جنگ با داعش که در سال ۲۰۱۴ متاسفانه توانست تقریباً نیمی از خاک عراق را به تصرف خود درآورد، بسیار سنگین بود. عراقی ها علاوه بر خون و جانی که بابت آن هزینه کردند، مجبور شدند هزینه اقتصادی و مالی بسیاری را نیز صرف مبارزه با داعش کنند. بار این هزینه ها زمانی سنگین تر می شد که اواخر سال ۲۰۱۶ قیمت نفت سقوط کرد و به حدود ۳۵ دلار در هر بشکه رسید. این مساله برای عراقی که حدود ۹۰ درصد بودجه خود را از نفت تامین می کند، تبعات بسیار زیادی داشت که در روند مبارزه با تروریسم بیشتر شد. در گفت و گویم با یکی از مسئولان عراقی در این

رهبر انصارالله:

تکفیری ها بوسیدن کتف شاهزاده سعودی را جایز اما بوسیدن قبر پیامبر (ص) را شرک می دانند

رهبر انصارالله یمن طی سخنرانی خود به مناسبت فرارسیدن ماه رجب، ضمن هشدار در مورد امکان تحریف در هویت ایمانی، از تناقض تکفیری ها در مسائل دینی به شدت انتقاد کرد.

«سید بدرالدین عبدالملک الحوثی»، رهبر جنبش انصار الله یمن درباره تحریف و انحراف در هویت ایمانی یمنی ها هشدار داد.

به گزارش شبکه المسیره، او ۱۸ اسفند به مناسبت آغاز ماه رجب المرجب که در تاریخ اسلامی مصادف با مسلمان شدن یمنی ها بنا به دعوت امام علی (ع) است، سخنرانی و بر اهمیت این مناسبت در تقویت هویت دینی و ایمانی یمن تأکید کرد.

سید عبدالملک گفت که بحث انحراف و تحریف در هویت دینی یمنی ها مربوط به نیروهای تکفیری است که تحت عنوان ایمان و دین فعالیت می کنند ولی آن را به گونه ای دیگر ارائه می کنند.

رهبر انصارالله یمن گفت: «مهمترین چیزی که هویت ایمانی یمنی ها، آن را از آغاز اسلام تثبیت کرد، موضع آن ها در برابر طاغوت و گرایش به حمایت از حق و چنگ زدن به آزادی بود».

او با بیان اینکه احترام به پیامبر (ص) و محبت به ایشان باید مافوق احترام و محبت به سایر انسان ها باشد، از طریقه و نگاه تکفیری ها در این مسئله انتقاد کرد.

عبدالملک ادامه داد: «آن ها روش متفاوتی دارند؛ همه نوع احترام به رسول خدا (ص) [از نظر آن ها] شرک است. اگر قبر رسول خدا (ص) را ببوسی، از نظر آن ها تو مشرک هستی. ولی اگر کتف شاهزاده سعودی را ببوسی این مسئله جایز بوده و بدعت نیست».

او افزود: «مسائل زیادی را آن ها در چارچوب آنچه که آن را شرک می دانند، وارد کردند و مطابق این، محرمات را حلال می دانند. خون ریختن را مباح می کنند. دیگران را اجبار می کنند. با آن ها دشمنی می کنند و زنان و ناموس آن ها را مباح می دانند. همچنین بسیاری از آن ها در خصوص واجب بودن تخریب گنبد قبر رسول (ص) [کتاب و مطالب] می نویسند».

رهبر انصار الله یمن با بیان اینکه بنا به فرموده پیامبر، محبت به امام علی (ع) از ایمان است، گفت: «تکفیری ها در خصوص امام علی (ع) موضع بسیار منفی دارند. ملت ما در طول تاریخ امام علی (ع) را دوست داشته و به حمایت از ایشان و محبت به او شناخته شده است».

در عملیات مبارزه با داعش در عراق

تاکتیک عملیاتی سردار سلیمانی به مراتب دقیق تر و بهتر از امریکایی ها بود

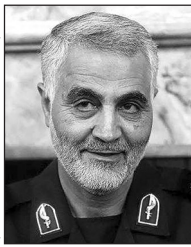
وی درباره تاکتیک های به کار گرفته شده در مبارزه با داعش نیز تاکتیک سردار سلیمانی را بسیار موثرتر، بهتر، دقیق تر و کارشناسی تر از امریکایی ها دانست و گفت: «مثلاً شهر رمادی را امریکایی ها به ما کمک کردند تا بتوانیم آزاد کنیم، اما شیوه عملیات آنها به گونه ای بود که در نهایت ۹۰ درصد شهر ویران شد تا شهر آزاد شد اما سردار سلیمانی که کمک کرد شهر تکریت آزاد شود، به گونه ای برنامه آزادسازی شهر را پیش برد که در نهایت تنها ۴ درصد شهر ویران شد.»

این مقام مسئول تأکید کرد، انصافاً سردار سلیمانی در برنامه ریزی و اعمال تاکتیک نظامی نظیر ندارد و واقعا در بحث مبارزه با تروریسم در عراق کمکی که او کرد، هیچ کس نکرد.

عراق در حال حاضر مبارزه با تروریسم را به آخر خط رسانده است. عمده شهرها امن است و دیگر در بغداد، پایتخت عراق که روزگاری نه چندان دور ماشین های بمب گذاری شده امان مردم را بریده بودند، دیگر خبری از آنها نیست. بعد از سال ها مردم بغداد شب ها با امید به فردایی بهتر و ایمن تر سر از بالین بر می دارند.

ارتش گذاشت. تروریست ها تا شش کیلومتری بغداد رسیده بودند و مجبور بودیم از نزدیک ترین نقطه با آنها مبارزه کنیم. روزها و شب های بسیار سختی بود. زمان طاقت فرسای طولانی ای را گذراندیم.»

وی درباره طرف هایی که بیشترین کمک تسلیحاتی را به عراق کردند، گفت: «بر خلاف تصور عامی که وجود دارد امریکایی ها در دادن تسلیحات ما را خیلی آزار دادند. هم در تحویل سلاح ها بسیار معطل کردند و هم هزینه های سلاح هایشان بسیار زیاد بود. در مقابل روسیه نهایت همکاری را با ما کرد. هم سلاح هایشان ارزانتر بود و هم فوراً بدون هیچ گونه تأخیری سلاح های مورد نیازمان را به دستمان می رساندند. مثلاً قیمت یک بمب امریکایی که باید از هواپیما به سمت اهداف در زمین شلیک می شد، ۳۰ هزار دلار بود در حالی که مشابه روسی آن نهایتاً هزار دلار تمام می شد. یا ما ۳۶ فروند جنگنده اف - ۱۶ از امریکایی ها خریدیم، تا کنون از این تعداد ۳۰ فروند به دست ما رسیده که دو فروند آن قبل از آن که به عراق برسد، در مسیر سقوط کرد.»



هنگامی که موصل سقوط کرد، ارتش عراق که متهم اصلی کوتاهی در این وضعیت بود تا مرز فروپاشی رفت. بسیاری از ادوات و جنگ افزارهای نظامی اش به دست نیروهای تروریستی افتاد و روحیه نیروهای رده پایین و بدنه ارتش به شدت تضعیف شد. این مقام مسئول عراقی در این باره گفت: «هزینه تامین سلاح یکی از مسائلی بود که برای ما بسیار سنگین تمام شد. ارتش عراق در زمان سقوط موصل توسط داعش به شدت تضعیف شده بود. بسیاری از ادوات نظامی مورد نیازش را در اختیار نداشت و با توجه به هزینه های جاری کشور این مساله بار سنگینی را بر دوش دولت و

به کوشش و نگارش: محمدتقی انصاریان خوانساری

ناشر: انصاریان، قم

چاپ اول: ۱۳۹۷ - بهای دوره: ۲۰۰ هزار تومان

کتاب «حقیقتی پنهان» شامل خاطرات و اسنادی منتشر نشده درباره زعیم و مرجع فقید تقلید شیعیان، آیت الله العظمی بروجردی است. این مجموعه سه جلدی در برگیرنده ابعاد مختلف زندگی آیت الله بروجردی است و ارائه اسناد و تصاویر مختلف، از جمله ویژگی های آن است و برخی از این اسناد، برای اولین بار منتشر شده است.

جلد اول این مجموعه در ۸۲۴ صفحه، به شرح زندگانی آیت الله بروجردی در آئینه مصاحبه ها، مقالات و شنیده ها می پردازد.

جلد دوم نیز در ۸۲۳ صفحه، خاطرات مربوط به آن مرجع فقید در آئینه کتب را بررسی می کند.

جلد سوم هم در ۸۹۶ صفحه، خدمات علمی، خدمات اجتماعی، اجازات، مکاتبات، استفتائات، رحلت آیت الله العظمی را مورد بررسی قرار می دهد.

موقعیت شهر قم که به همراه حوزه علمیه آن در زمان مرحوم آیت الله حائری پی ریزی شده بود، با ورود آیت الله بروجردی و نضج گرفتن ریاست دینی آن مرد بزرگ روزافزون گشت و پیوسته رو به کمال و اشتها نهاد. آن روز که آیت الله بروجردی وارد قم شدند، شهر قم عظمت فعلی را دارا نبود و از نظر ظاهری و مادی و معنوی با امروز فرق بسیار داشت. جمعیت آن روز قم خیلی کمتر از امروز بود. مردم از لحاظ زندگی و بهداشت و مخصوصاً آب آشامیدنی سخت در مضیقه بودند. جمعیت طلاب علوم دینی از دوهزار نفر تجاوز نمی کرد و با وصفی متزلزل به سر می بردند؛ اما با ورود آیت الله بروجردی و تثبیت مرجعیت ایشان در این شهر، به مرور ایام تغییرات محسوسی در وضع شهر پیدا شد. طلاب و محصلین از اطراف روی به قم آوردند، بازرگانان و کسبه و پیشه وران متدین هم برای ادای حقوق مراجعه خود، دسته دسته راهی قم گردیدند و...

بدین ترتیب شهر قم در عصر مرجعیت حضرت آیت الله العظمی بروجردی موقعیت به سزایی کسب کرد و بلندآوازه گشت، به طوری که در اقصی نقاط عالم نام قم و عکس های قم و مزایای شهر قم مورد نظر همه

مجموعه آثار آیت الله آصفی به صورت دیجیتال منتشر شد

المدخل إلى الإمامة (۲ جلد)، الشعائر والشعارات الحسينية (۲ جلد)، الموت الأخضر (۲ جلد) از جمله کتاب های ارائه شده در این نرم افزار است.

ارائه تصاویر مرتبط با آیت الله علامه محمد مهدی آصفی در بخش نگارخانه، ارائه متن کامل قرآن کریم به همراه ترجمه، ارائه چند دوره لغت نامه معتبر نیز از دیگر امکانات این اثر است.

قابلیت های پژوهشی این نرم افزار، جستجو به روش های گوناگون در الفاظ و عبارات متن و فهرست کتاب های برنامه، قابلیت مقایسه بین متون، امکان محدود کردن دامنه نمایش و جستجو، دسترسی به متن قرآن کریم، ارتباط وازگان متون برنامه با چند دوره لغت نامه و نیز امکان یادداشت برداری.



نسخه دیجیتال مجموعه آثار آیت الله علامه محمد مهدی آصفی از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) در قم، تولید و عرضه شد. در این نرم افزار متن ۱۴۵ عنوان کتاب در ۱۷۰ جلد از آثار علامه محمد مهدی آصفی به زبان عربی، موجود است. محتوای علمی این نرم افزار، موضوعاتی مانند تفسیر و علوم قرآن، فقه، حدیث، عقاید و معارف اسلامی، تاریخ، سیاست، علوم اجتماعی و اقتصادی را تشکیل می دهد.

برخی از کتب ارائه شده در این نرم افزار: فی رحاب القرآن (۱۴ جلد)، فی رحاب عاشوراء، المشروع السياسي لأهل البيت (ع) بعد واقعة الطف (۲ جلد)، الامام زين العابدين علی بن الحسين (عليهما السلام) (۲ جلد)،

همان تعصب کورکورانه و رد اندیشه های دیگران و گوش ندادن به هرگونه گفتمان مخالف خواسته های آنها است، قرار می دهد.

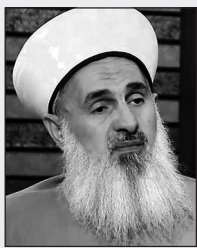
شایان ذکر است که داعشیت سکولار، داعشیت دینی را نیز به وجود آورده است چرا که تعصب موجب ایجاد تعصب دینی، و همچنین جنگ با دین منجر به ظهور تکفیر و افراط گرایی می شود. تروریسم سکولار نیز به واکنش تروریستی به نام دین منجر خواهد شد.

ما به نام «تقریب»، از داعشی های متظاهر به دین و داعشی های سکولار می خواهیم که از طاغوت خودپرستی و خودخواهی خود خارج شده و به ایده آل مطلق بازگردند. در این صورت به گفتمان ها گوش فرا خواهند داد و از راه درست پیروی خواهند کرد. در نتیجه صلح و دوستی و توجه به خدمت صادقانه به عموم مردم، در جامعه حکمفرما می شود.

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَبْعُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»

مفتی اهل سنت عراق:

با مرجعیت شیعی ارتباط معنوی و فکری داریم



به گزارش شفقنا به نقل از روزنامه «القدس العربی» چاپ لندن، شیخ «مهدی الصمیدی»، مفتی اهل سنت عراق ضمن تأکید بر این که دارالافتای تحت رهبری وی در حد فاصل سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی نقشی در میان اهل سنت این کشور نداشته، اعلام کرد که در این مدت دارالافتا به نزدیکی با ایران و پشتیبانی از «نوری المالکی»، نخست وزیر وقت عراق متهم شده و کار به جایی رسیده که ریختن خون اعضای آن مباح شمرده شده و از سوی نزدیک ترین افراد نیز تحریم گشته در نتیجه شماراژه و خطبای عضو از هزار و ۵۰۰ نفر به تنها ۱۱ نفر کاهش یافت.

مفتی اهل سنت عراق در رابطه با دلیل اظهار نظر پیشین خود که در آن کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را به خیانت متهم کرده بود نیز اظهار داشت: گفتم که کشورهای خلیج (فارس) به دلیل موضع خود در قبال اشغال عراق خائن هستند، نیروهای آمریکایی از طریق این کشورها و به طور مشخص عربستان سعودی وارد عراق شدند جایی که علاوه بر تأمین مالی، هواپیماهای آمریکا و نیروهای زمینی نیز از آن جا به حرکت در می آیند.

الصمیدی در این باره افزود: آن اظهار نظر تمامی کشورهای خلیج (فارس) که از آمریکا برای اشغال عراق پشتیبانی کردند را در بر می گیرد و این مسئله را هرگز انکار نکرده و از آن نیز عدول نمی کنم؛ عامل اصلی خسارت وارد شده به عراق همین خیانت بزرگ است؛ آنها به اسلام خیانت کردند، چگونه می شود از یک کافر در برابر مسلمان حمایت کرد؟ چگونه آن کشورها به کافران اجازه می دهند وارد عراق شوند؟

مفتی اهل سنت عراق ضمن تأکید بر این که پس از اظهارات «جورج بوش پسر»، رئیس جمهوری وقت آمریکا در سال ۲۰۰۳ میلادی مبنی بر این که حمله به عراق یک اشغالگری صلیبی است نه آزادسازی این کشور، برخی روحانیون سعودی اظهار نظر کرده و به مخالفت با حمله پرداختند با این حال بیشتر آنها به زندان افتادند، اعلام کرد که ارتباط دارالافتای اهل سنت عراق با عربستان از حضور در کنفرانس های اسلامی فراتر نمی رود و مقام های این کشور نیز دارالافتا را یک نهاد دولتی قلمداد می کنند.

در رابطه با اظهار نظر دیگری که در آن ایران را مایه شرافت و افتخار در جهان برشمرده بود نیز الصمیدی تصریح کرد: ایران با نام خود مایه شرافت و افتخار در جهان است چرا که نام جمهوری اسلامی ایران را برای خود برگزیده و با این نام مایه شرافت و افتخار در جهان است، امیدوارم عراق نیز خود را جمهوری اسلامی عراق بنامد؛ برای من مایه افتخار است که نام یک دختر مسلمان قاطمه باشد اما این مسئله درباره نام های دیگری همچون رانیا صدق نمی کند.

مفتی اهل سنت عراق همچنین خاطر نشان ساخت: حتی اگر نزدیک به ایران قلمداد شوم، من همچنان مسلمان باقی می مانم و به مسلمان بودن و عراقی بودن خود افتخار می کنم؛ دینم به من دستور داده که با تمامی مسلمانان روی زمین تعامل داشته باشم، ایران اسلام را به عنوان نام خود پذیرفته و ما نیز آن را به عنوان دوست خود می پذیریم.

در مورد دیدار با حضرت آیت الله «سید علی سیستانی»، مرجع عالیقدر شیعیان جهان نیز مفتی اهل سنت عراق تصریح کرد: در سال ۲۰۰۳ و از طریق یک هیئت به نمایندگی از علمای سنت در آن هنگام به ریاست «محمد عبید الکبسی» با وی دیدار کردم و گفت و گوی ما در رابطه با عراق، برادری و همزیستی بود، یک دیدار تشریفاتی بود؛ یک ارتباط معنوی و فکری با مرجعیت (شیعی) وجود دارد و ما به صورت مداوم با آن در ارتباط هستیم به ویژه آن که دیدارهای ما با نمایندگان سیستانی (احمد الصافی و عبدالمهدی الکربلانی) تقریباً هر ۱۰ روز شاید هم کمتر یک بار ادامه دارد.

گفتمان تقریبی؛ داعشیت سکولار



داده و میان مفهوم صحیح سیاست و مفهوم رایج انحرافی آن که درگیری برای رسیدن به قدرت است، خلط مبحث کرده اند.

«سیاست» همانگونه از معنای لغوی آن پیاداست، به معنای اداره امور مردم است به گونه ای که منافع مادی و معنوی آنان محقق شود. شخص

سیاستمدار نیز کسی است که به منظور این خدمت بزرگ به کار گرفته شده و نهایت تلاش خود را در این راه انجام می دهد.

معنای صحیح سیاست، خروج از دایره خودپسندی و توجه به خدمت صادقانه به عموم مردم است. در حالی که دعوی قدرت، اهتمام ورزیدن به خودپسندی و تقویت خودخواهی در رفتار است.

لذا زمانی که ما قائل به عدم جدایی دین از سیاست باشیم، این بدان معناست که دین از زندگی و خدمت صادقانه به مردم جدا نخواهد بود.

متأسفانه برخی از رفتارهای خودخواهانه احزاب و افرادی که به گروهک های اسلام گرا وابسته اند، این خلط در مفهوم سیاست را به وجود آورده است و مردم را به ضرورت جدایی دین از سیاست فرامی خوانند.

از دیگر اشتباهات سکولارها در جهان اسلام

آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب طی یادداشتی در مورد داعشیت سکولار نوشت: اخیراً دیداری با وزیر اوقاف سوریه داشتیم که در آن، در خصوص همکاری دینی، فرهنگی و تقریبی میان دو کشور گفتگو و تبادل نظر کردیم. وزیر اوقاف سوریه در این دیدار از جریان سکولار افراط گرا به

شدت شکایت داشت و به نقل از بشار اسد، رئیس جمهور این کشور بیان کرد که بشار اسد این جریان را «داعشیت سکولار» نامیده است.

«داعشیت سکولار»، اصطلاح جدیدی است که حاکی از درد و رنج ملت سوریه در برابر افراط گرایی و تروریسم است و بخش های بسیاری از جهان اسلام نیز به گونه ای، از این تجربه رنج می برند.

اصطلاح داعشیت تنها به یک گروه خاص منحصر نمی شود، بلکه شامل همه گروه هایی است که با میانه روی و گوش فرادادن به آراء دیگران مخالفت می کنند و چیزی جز اندیشه های انحرافی خود را نمی پسندند.

سکولارها در جهان اسلام به اشتباهاتی افتاده اند که به منافع کشورها و ملت های خود نیز زیان وارد کرده اند. آنان شعار «جدایی دین از سیاست» سر

تکفیر، مهم ترین رقیب جریان تقریب است

است که بر عهده رسالت مجمع جهانی تقریب مذاهب قرار دارد و دومی تقریب بین جهان اسلام را در برمی گیرد. به گفته وی در وهله اول تقریب بین مذاهب اسلامی مطرح است، گاهی به تصادف وحدت و تقریب در کنار یکدیگر قرار میگیرد، ولی در مجموع بین این دو کلمه تفاوت های زیادی وجود دارد چون مولفه های وحدت در حوزه اعتقادی، فقهی و کلامی مطرح می شود اما اصل اول، تقریب این است که ما بپذیریم متفاوت فکر می کنیم» و در واقع بپذیریم که مختلف هستیم و البته ما باید مخالفت خود را به رسمیت بشناسیم.

وی با اشاره به اینکه مخالف ما «مخالف مذهبی است» و ما باید برای این مخالفان خود احترام قائل شویم و کرامتش را حفظ کنیم، گفت: یکی از مهمترین مسائلی که بزرگان تقریب به آن کمتر توجه کرده اند بحث اخلاق است که متأسفانه پایین ترین جایگاه را در بحث تقریب دارد و ما چنانچه از اعتقادات و مبانی برادری حرف بزنیم ولی کرامت انسانی را رعایت نکنیم به نتیجه نخواهیم رسید.

حجت الاسلام نیکزاد گفت: مکارم اخلاق باعث تصامح، صبر، شرح صدر و از بین رفتن خشونت های کلامی بین طرفین خواهد شد و ما باید در صورت نبود طرفین هم اخلاقیات را رعایت کنیم و این مورد ظرفیت این را دارد که مقوم تقریب شود.

وی با اشاره به این که یکی از غسل های که باعث انشقاق بین مذاهب می شود، قومیت گرایی و برتری نژاد ها است، اظهار داشت: مهمترین مسئله در زمینه تقریب، تقریب بین کشورها و دولت هاست و گسست های قومیتگرایی و اختلافات مذهبی یکی از چالش های بزرگ پیش روی تقریب است.

وی ادامه داد: موانعی چون پراکندگی جغرافیایی در جهان اسلام، تفاوت های فرهنگی و عدم وجود شخصیت های قدرتمند و تأثیر گذاری مثل امام خمینی (ره) باعث می شود که کشورهای مسلمان کمتر به تقریب فکری و رفتاری دست پیدا کنند.

حجت الاسلام نیکزاد تصریح کرد: موانعی مثل اختلافات سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل جغرافیایی، نبود مقوم سیاسی، تفاوت های فرهنگی و دینی و... از دیگر چالش های پیش روی تقریب در جهان اسلام هستند و تا زمانی که این موانع وجود داشته باشد، آینده تقریب هم روشن نیست؛ علی رغم وجود اختلافات، روابط انسانی باید بر پایه اخلاق انسانی شکل بگیرد و کرامت های انسانی حفظ شود تا زمینه هرچه بیشتر تقریب فراهم شود.

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر نیکزاد مدرس حوزه و دانشگاه در همایش سه شنبه های تقریبی با موضوع «آینده وحدت در جهان اسلام» که در خبرگزاری تقریب برگزار شد، گفت: ما در جهان اسلام با دو گفتمان تکفیر و تقریب روبرو هستیم و در گفتمان تکفیر تا جایی پیش رفته ایم که تکفیر ظهور پیدا کرد و حتی مبانی کلمه تکفیر هم تدوین شد.

وی ادامه داد: تکفیر به عنوان مهم ترین رقیب برای جریان تقریب است و در اینجا یک پرسش بنیادین وجود دارد که آیا تکفیر ریشه در متون دینی دارد یا عوامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان موثر است.

این کارشناس ادیان و مذاهب با تفاوت قائل شدن بین تکفیر و ارتداد توضیح داد: ارتداد به این معناست که شخص مسلمان اعلام می کند که تا امروز مسلمان بوده و به شهادتین اعتقاد داشته از امروز به بعد هیچ اعتقادی به اینها ندارد و در واقع خودش اعلام کفر می کند که این خود درست برخلاف تکفیر است. در تکفیر فرد ادعای مسلمانی دارد ولی تکفیر شونده از طرف تکفیر کننده متهم به کفر می شود.

وی افزود: تکفیر گرایی در اسلام ویژه کتاب و سنت نیست و در آیات و روایات ما هیچ مستندی را نمی توان پیدا کرد و به من و شما هم این حق داده نشده است، به تعبیر دیگر ما در آیات و روایات تکفیر عمومی داریم و به آن اشاره شده است که اگر کسی مسلمان است ولی در عمل به آن پایبند نبوده و آن را منکر شود کافر است اما منافق به ظاهر مسلمان است ولی در قلب خود کافر است.

نیکزاد با بیان اینکه منافق به ظاهر مسلمان است و تکفیر در معنای واقعی حرام است، گفت: تکفیر مهمترین رقیب جریان تقریب است و بین تکفیر و ارتداد فرق زیادی است. در آیات و روایات موجود است که اگر کسی از روی اجبار از دین خود بازگردد مورد قبول نیست و به عبارت دیگر مسئله تکفیر نیاز به مجتهد دارد.

حجت الاسلام نیکزاد با تأکید بر این مطلب که آیات و روایات ما را به اخوت و برادری، رعایت اصول و عقاید، ارزش ها و کرامت انسانی فراتر از دین می رساند، گفت: تقریب از بین مذاهب و در طول تاریخ موانعی چون پراکندگی جغرافیایی در جهان اسلام، تفاوت های فرهنگی و عدم وجود شخصیت های قدرتمند و تأثیر گذاری مثل امام خمینی (ره) باعث می شود که کشورهای مسلمان کمتر به تقریب فکری و رفتاری دست پیدا کنند در اسلام شکل گرفته است.

این استاد حوزه با بیان اینکه در مسئله تقریب دو موضوع مورد توجه است، افزود: مساله اول، تقریبی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

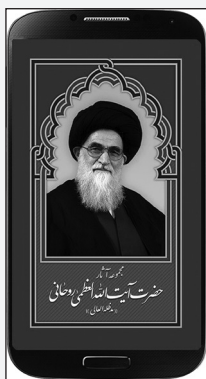
دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org
کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

تولید نرم افزار اندرویدی مجموعه آثار حضرت آیت الله روحانی



درباره نرم افزار:

عرضه آثار فاخر اسلامی، در قالب کتابخانه ویژه تلفن همراه، از جمله خدمات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی می باشد. این بار در راستای اقدامات شایسته این مرکز، «مجموعه آثار آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی» به پژوهشگران و علاقمندان به علوم و منابع اسلامی تقدیم می گردد. این نرم افزار در بردارنده متن کامل ۲۹ عنوان کتاب در ۷۳ جلد از آثار ایشان به زبان های: فارسی و عربی و انگلیسی می باشد.

کتاب فارسی: رساله «توضیح المسائل» - جبر و اختیار - «نظام حکومت در اسلام» - مناسک حج - «استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل» - «استفتائات قضایی» مجموعه پرسش و پاسخ حقوقی و جزایی - استفتائات پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) در هفت جلد - فضائل و مصائب حضرت زهرا (ع) - عاشورا و قیام امام حسین (ع) - راه سعادت - امام زمان (عج) از ولادت تا ظهور - امر به معروف و نهی از منکر - بررسی فقهی غیبت و دروغ - خاتم پیامبران و امیر مؤمنان - نامه های تاریخی

کتاب عربی: فقه الصادق: دایرة المعارف کامل فقه تشیع (نسخه ۲۶ جلدی) - «زبدۃ الاصول» (۶ جلدی) - «منهاج الفقاهه» (۶ جلدی) - «فقه المسائل المستحدثة» - تعلیق بر «منهاج الصالحین» (۳ جلدی) - فقه الاجتهاد والتقلید - «اجوبة المسائل فی الفکر والعقیده والتاریخ والاخلاق» (۲ جلدی) - «السیدة الزهراء (ع) بین الفضائل والظلمات» - قربان الشهادة - سلسله فتاوی و استفتائات «التقلید والعقائد» - سلسله فتاوی و استفتائات «الطهارة»

کتاب انگلیسی: فضائل و مصائب حضرت زهرا (ع) - عاشورا و قیام امام حسین (ع)

لینک دانلود برنامه:

https://www.noorsoft.org/fa/soft-ware/View/15811

[بخوانید]، ترک نشود؛ یعنی دنبال کنید این ها را، این ها خیلی اثری می گذارد، نورانیت می دهد به شما و آن وقت این نورانیت، به شما کمک می کند در پیدا کردن راه. یک چیزهایی را انسان از این و آن هم هر چه سؤال کند، به درد نمی خورد؛ یعنی گاهی از یک کسی هم یک چیزی می شنود، اما در انسان اثری نمی گذارد. اگر آن نورانیت پیدا شد، دل ها را باز می کند، انفتاح می دهد، بهجت معنوی به انسان می دهد؛ و شماها جوانید؛ شما هم از این جهت از ماها جلوترید، بهترید، آسان تر است برای شما کار تا برای ما.

توصیه های رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی

جهت گیری انقلابی مقهور کارهای علمی نشود

مواظب باشید جهت گیری انقلابی، مقهور هیچ کدام از این شاخص ها و مهمات کار این مؤسسه قرار نگیرد؛ جهت گیری انقلابی. طلبه ای ما، استاد ما، فاضل ما، عالم ما، مرجع ما اگر چنانچه معتقد به این تحوّل عظیمی که اسمش انقلاب است، بود، به درد این کشور خواهد خورد. اگر معتقد به این نبود، به درد کشور نمی خورد، به درد جمهوری اسلامی نمی خورد؛ باید معتقد باشد.

معنای حوزه انقلابی شعار دادن نیست

اینکه بنده می گویم حوزه ای انقلابی، معنایش این نیست که حالا حتماً در مثلاً فلان جا شعار [بدهد]؛ حالا یک وقت لازم هم باشد، شعار هم باید داد؛ بنده هم گاهی که لازم است، شعار می دهم لکن مهم این است که عمیقاً از بن دندان معتقد باشد که این تحوّل که در این کشور اتفاق افتاده، باید همچنان ادامه پیدا بکند.

دشمنان را خوب بشناسیم

دشمنانمان را بشناسیم، دشمنان این نظام را بشناسیم، دشمنان این حرکت تحوّل را بشناسیم. اگر نه، کشور به رکود خواهد انجامید و مغلوب سیاست ها و گرایش های دشمنان این ملت و دشمنان اسلام خواهد شد.

افزایش گرایش به احیای اسلام بین مسلمانان

امروز نگاه اسلام به مجموعه ای جمهوری اسلامی است؛ من به شما عرض بکنم. الان در دنیای اسلام گرایش به احیای اسلام و به زندگی اسلامی به معنای واقعی خیلی زیاد است. مردمی که، ملت هایی که سرخورده شده اند از این تمدن های مادی غربی و شرقی، به اسلام گرایش دارند منتها ملجأیی، مرجعی، شاخصی، ستونی که به او تکیه کنند، کسی که به او مراجعه کنند ندارند؛ لذا نگاهشان به جمهوری اسلامی یک نگاه واقعی است؛ این وجود دارد. البته دشمن ها نمی گذارند و نمی خواهند این معلوم بشود، اما وجود دارد.

چشم امید دنیای اسلام به جمهوری اسلامی

امروز در هر کدام از این کشورهای اسلامی عربی که سرانش به خون ماها نشنه هستند، اگر چنانچه از جمهوری اسلامی یک نشانی، اثری، برگه ای آنجا پیدا بشود، شخصی برود، شخصیتی برود، افرادی بروند، کتابی برود و مانع از طرف سرانشان نباشد، مردم به او اقبال می کنند. الان تقریباً همه ای این کشورهای اسلامی از شرق تا غرب همین جور هستند؛ از اندونزی و مالزی و مانند این ها بگیرند تا آفریقا. مردم چشمشان به اینجا است؛ دنیای اسلام امروز نیاز دارد به این حرکت انقلابی ما.

ضربه به امید امت اسلامی خیانت است

این کسانی که در داخل حرف می زنند، کار می کنند، اظهاراتی می کنند که با گرایش انقلابی مغایر است، ولو متضاد هم نباشد، اما همین قدر که مغایر با گرایش انقلابی است، دارند ضربه ای به امید امت اسلامی می زنند، این ضربه ای به آن ها است و خیانت می کنند.

بدون توجهات معنوی کار پیش نمی رود

حرکتان حرکت انقلابی باشد و کار انقلابی؛ و توجهات معنوی؛ یعنی واقعاً بدون توجهات معنوی نمیشود، بدون توسّل، بدون دعا، بدون نماز شب، بدون مراجعه و خواندن صحیفه ی سجاده نمیشود. اگر چنانچه آدم بخواید ارتباط قلبی خودش را، ارتباط معنوی خودش را با خدا حفظ نکند و مراقبت نکند از آن، کار پیش نمی رود.

توصیه جوانان به نماز شب و توسلات

شماها جوانید، دل های پاك است، پاکیزه است، گرفتاری تان کمتر است و خیلی خوب می توانید این دل ها را متوجّه خدا کنید، نمازها را خوب بخوانید، با دعا و توسلات اُنس داشته باشید، با ذکر اتمّه (علیه السلام) اُنس داشته باشید؛ و بخصوص من توصیه می کنم نماز شب را تا آنجایی که می توانید، ولو یک وقتی هم نتوانستید، مثلاً قضایش را

دوره های اصول پانزده ساله مفید نیست

در مورد اصول که ایشان فرمودند متوسّط [دوره ی] آن در حوزه پانزده سال است، خیلی برای من تعجب آور است و این هیچ خبر خوبی نیست از نظر بنده. اصول خوب لازم و ضروری است؛ برای تفقّه، بلاشک اصول لازم است. خوب مرحوم آقای خوئی (رضوان الله علیه) فقیه اصولی بود دیگر؛ از ایشان اصولی تر کیست؟ ...؛ من شنیده ام که دوره ی اصول ایشان پنج سال طول می کشد؛ یعنی بنابراین می شود اصول را پنج سال گفت، می شود شش سال گفت. متوسّط که پانزده سال است، یعنی مثلاً تا بیست سال هم دارد! چقدر بخواند؟ چرا بخواند؟ به چه دردشان می خورد؟ کجای فقه استفاده می شود از این اصول؟ نه، به نظر من یک مقداری در مورد اصول بایستی جمع و جورتر و به اصطلاح مُضَيّق تر حرکت کرد، مواظبت کرد.

در زمینه های فقهی هر چه می توانید کار کنید

اصول غیر از فقه است؛ فقه باز است، هر چه می توانید در زمینه های فقهی کار کنید، به نظر ما خیلی خوب است.

کار کند، ولی محکم بهتر از کار متزلزل است

بالاخره هر چه کار با دقّت و با ملاحظه انجام بگیرد و هر قدمی که می خواهیم برداریم، بدانیم که این قدم را کجا می خواهیم بگذاریم و زیر پایمان محکم باشد، این بهتر است؛ ممکن است یک مقداری با بُطء همراه باشد، اما عیبی ندارد. کار بطئی و محکم بهتر از کار سریع و متزلزل و نامحکم است.

نامگذاری برای هر دوره و اعطای مدرک

یک نکته ی دیگری در ذهن من هست - البته این را در مورد کلّ حوزه بنده عقیده داشته ام که تا حالا هم نشده، بارها هم با مسئولین حوزه، بخصوص حوزه ی قم، مطرح کرده ایم [اما] ظاهراً سخت است برایشان - که کسی که یک درسی را می خواند و به یک جایی می رسد، احتیاج به مدرک دارد، احتیاج به شهادت دارد.

مخلوط کردن مدارک حوزه و دانشگاهی اشتباه بزرگی بود

اشتباه بزرگ این بود که آمدند این شهادت را با شهادت های دانشگاهی مخلوط کردند؛ حالا اوّل که [حتی] میخواستند اسمش را دکتری و مانند این ها بگذارند که غلط بود، بعد معادل دکتری [گذاشتند]؛ این هیچ لزومی ندارد... مطلقاً به نظر من این کار جایز نیست که ما باییم با آن ها منطبق کنیم کار خودمان را و بگوییم مثلاً این برابر دکتری است، این برابر مثلاً ارشد است، این برابر [کارشناسی است]؛ این اصلاً معنی ندارد؛ چون نوع کار آن ها با نوع کار ما متفاوت است.

از تفسیر رها و جدا نشود

من البته در برنامه های درسی نمی دانم - چون آقایان زحمت کشیده اند نشسته اند برنامه ریزی کرده اند، بنده نمی شود از کمر کار وارد بشوم بگویم تفسیر این جوری است -، اما معتقدم از تفسیر، رها و جدا نشود؛ یعنی تفسیر حالا ممکن است جزو برنامه ی درسی تان نباشد، شاید به اینکه برنامه ی درسی باشد احتیاج هم نداشته باشید، اما حتماً [لازم است]؛ مثلاً فرض کنید یک دوره تفسیر مجمع البیان.

تبحر صاحب مجمع البیان در تفسیر

دوره تفسیر مجمع البیان؛ بسیار تفسیر خوبی است؛ مجمع البیان بسیار تفسیر عالمانه ای است، یعنی مرحوم طبرسی در یک جاهایی و در ذیل یک آیاتی، مُلایی خودش را و تبحر خودش را در استدلال و استنباط نشان داده؛ گاهی اوقات این جوری است؛ یک جایی هم که البته احتیاج نبوده، نه.

انس جداگانه با قرآن و تفسیر و حدیث

اُنس با قرآن جداگانه و اُنس با تفسیر جداگانه، به نظر ما لازم است؛ و همین طور البته حدیث که شما احتیاج هم دارید؛ یعنی شما برای فقاقت، چون به منابع حدیثی نیاز دارید، به رجال و به حدیث و علم حدیث و به این چیزها طبعاً احتیاج دارید.

رهبر انقلاب اسلامی دوشنبه، ۱۲ اسفندماه، در جلسه ای پرنشاط با اعضای مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی دیدار کردند و نکات سنجیده و مهمی را بیان کردند که در ادامه به نکاتی از این بیانات می پردازیم.

کار علمی بیش از حد در روز لزومی ندارد

همه مسائل خانواده و خانوادگی مسائل عقلانی نیست که حالا با این استدلال همه قانع بشوند، همه قبول کنند؛ یک مقداری از آن مسائل عاطفی است، مسائل واقعی است، مسائل زندگی است. «طلبه ساعت شش صبح از خانه بیرون می آید، ساعت نه شب برمی گردد»، خوب بنده اصلاً با یک چنین چیزی مخالفم. آقایان می آیند در نشان گده شان را می کنند، بعد یک مجلس روضه ای هست می روند؛ لزومی ندارد، نه. به خانواده ها باید برسید؛ همسر شما نیاز به حضور شما دارد؛ این مهم است.

فقه جنبه علمی تفکر اسلامی

ما یک نظامی داریم با این پدیده ها و با این حوادثی که پیرامونش و در درونش وجود دارد؛ این [نظام] باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبه ی عملی، همان فقه اسلام است.

خواندن فلسفه ضروری است

البته بنده با فلسفه خواندن، نه فقط مخالف نیستم بلکه کاملاً تأیید می کنم، فلسفه هم لازم است؛ حالا چه جوری داخل برنامه های شما بشود، آن ها به برنامه ریزی مدیران محترم آنجا بستگی دارد؛ لکن فلسفه نه اینکه فقط خوب است؛ لازم است؛ در این تردیدی نیست؛ لکن آنچه زندگی را اداره می کند، عملاً فقه ما است.

ژرف اندیشی فقهی حوزه شگفت آور است

این دقتهایی که انسان در مباحث فقهی و در مسائل کم اهمیت در بین فقها مشاهده می کند - که از لحاظ عملی و از لحاظ جایگاهش در مجموعه ی احکام اسلامی خیلی چیز مهمی نیست - واقعاً شگفت آور است؛ یعنی این جور [دقتهای] عمیق و ریزبین و ژرف نگر، در کارهای فقهی ما و در علمای ما وجود دارد.

بنده یک مدتی یک بحث قصاص می کردم و نظرات حقوق دان های غربی را دوستانی که با ما همکاری می کردند و بلد بودند، این ها را برای بنده می آوردند و من گاهی اوقات نگاه می کردم به نظراتی که آن ها داشتند در مسائل گوناگون. خوب تعمّقهایی خوبی هست در کارهایشان، اما واقعاً با آن دقّتی که مثلاً فرض کنید صاحب جواهر یا من باب مثال مرحوم آقای خوئی - فقیه معاصر خود ما - یا دیگری در این زمینه دارند، خیلی فاصله دارد؛ این ها خیلی عمیق ترند، خیلی ژرف نگرترند، خیلی به لوازم فتوا و نظر خودشان متوجّه ترند.

ظرفیت حوزه در پاسخ به سؤالات نهادسازی

این حوزه می تواند همه ی نیازهای یک نظام اسلامی را، جامعه ی اسلامی را برآورده کند ... اگر چنانچه نهادسازها - یعنی مثلاً فرض کنید بانک مرکزی یک نهاد است، یا دستگاه دانشگاه یک نهاد است - برای مدیریت اسلامی خودش سؤالی پیدا کند، به چه کسی باید مراجعه کند؟ به حوزه باید مراجعه کند. الان این اتفاق نمی افتد، یعنی این کار الان وجود ندارد.... مثلاً فرض کنید که یک روزی پاکستانی ها در صدد برآمدن بانک اسلامی درست کنند؛ فراخوان دادند به دانشمندان اسلامی؛ مرحوم شهید صدر آن بانک الاربوی را نوشت و فرستاد؛ خوب آن یک نمونه است. حالا آن بانک الاربوی چقدر جواب نهاد بانک را در دنیای امروز می دهد، آن بحث دیگری است که حالا ممکن است نواقصی داشته باشد، اما بالاخره یک پاسخی داده شد، شما چند نمونه از این پاسخ ها سراغ دارید؟ خیلی کم، خیلی کم؛ اگر دومی ای، سوّمی ای داشته باشد، مسلماً دهمی ندارد؛ در حالی که حوزه این توان را دارد.